

طرح جدید اقتصادی
آزمون تاب آوری اقتصاد
علی نظافتیان
پژوهشگر حقوق بانکی
پیش از تبدیل سیاست‌های گسترده به تکلیف قانونی، باید زنجیره آثار اقتصادی، بانکی و اجرایی آنها را شناخت. آنچه که اقتصاد مقاومتی نامیده شده، در معنای اقتصادی و اجرایی خود، صرفاً به کاهش وابستگی یا تعیین تکلیف برای بازارها محدود نمی‌شود؛ بلکه افزایش توان اقتصاد برای تحمل شوک‌ها، استمرار فعالیت‌های تولیدی، حفظ ثبات مالی و تأمین نیازهای واقعی جامعه در شرایط دشوار را نیز در بر می‌گیرد. تحقق این اهداف، افزون بر انتخاب سیاست‌های مناسب، مستلزم شناخت دقیق منابع، محدودیت‌ها، ظرفیت‌های اجرایی و آثار متقابل تصمیم‌هاست.طرح ۲۴ ماده‌ای موسوم به «اقتصاد مقاومتی»، بر اساس متن رسانه‌ای در دسترس، تغییرات گسترده‌ای را در نظام ارزی، عملیات بانکی، معاملات ارز و طلا، واردات، قیمت‌گذاری، تأمین مالی تولید و حمایت‌های معیشتی پیش‌بینی می‌کند. اهمیت این طرح، تنها به اهداف اعلام‌شده یا مفاد جداگانه مواد آن محدود نیست؛ بلکه در آثار اجرای هم‌زمان احکامی است که می‌توانند منابع مالی، رفتار فعالان اقتصادی و عملکرد دستگاه‌های اجرایی و نظام بانکی را به‌طور اساسی تحت تأثیر قرار دهند.

ادامه در همین صفحه

فرصت امروز

برای کسب وکار آفرینی



طرح جدید اقتصادی آزمون تاب آوری اقتصاد

در این زمینه پرسش محوری آن است که آیا منابع مورد نیاز، مقدمات اجرایی و پیامدهای متقابل این احکام، پیش از تبدیل آنها به تکلیف الزام‌آور قانونی، به‌اندازه کافی بررسی شده است؟ طرح این پرسش، به معنای نفی اهداف آن نیست؛ بلکه بر ضرورت سنجش امکان تحقق این اهداف در شرایط واقعی اقتصاد کشور تأکید دارد.

ثبات ارزی: فراتر از تعیین یک نرخ

مواد ۶ تا ۱۱ طرح، تغییر چارچوب نظام ارزی کشور به نظام ثابت و تکنرخی را دنبال می‌کنند. بر اساس ماده ۳، بانک مرکزی مکلف می‌شود نرخ رسمی ارز را طی دو ماه به‌تدریج و روزهانه کاهش دهد و سپس نرخ هر دلار را برای پنج سال در سطح ۲۸۵ هزار ریال تثبیت کند. پرسش اساسی این است که این نرخ بر مبنای کدام محاسبات اقتصادی، برآورد منابع ارزی و سنجش ظرفیت تأمین نیازهای کشور تعیین شده است؟

طرح همچنین انحلال مرکز مبادله ارز و طلا و بازارهای ارز تجاری و توافقی و تمرکز مدیریت معاملات ارزی در بانک مرکزی را پیش‌بینی می‌کند. تثبیت نرخ ارز، در شرایط مناسب، می‌تواند پیش‌بینی‌پذیری هزینه‌ها و تصمیم‌های اقتصادی را افزایش دهد؛ اما پایداری آن به دسترسی به منابع ارزی، درآمدهای صادراتی، نیازهای وارداتی، وضعیت تراز پرداخت‌ها و توان تأمین مستمر ارز مورد نیاز بنگاه‌ها وابسته است. اعلام یک نرخ، به‌خودی‌خود، منابع لازم برای پاسخ‌گویی به تقاضای ارز را ایجاد نمی‌کند.اگر نرخ تعیین‌شده با شرایط واقعی عرضه و تقاضا تناسب نداشته باشد، تقاضا ممکن است از منابع قابل تخصیص فراتر رود و زمینه شکل‌گیری رانت ارزی، معاملات غیررسمی و فشار مضاعف بر منابع ارزی فراهم شود. ازاین‌رو، کاهش تدریجی نرخ رسمی و تثبیت پنج‌ساله آن، به‌برآورد دقیق آثار سیاست بر واردات، صادرات، قیمت تمام‌شده تولید و منابع و مصارف ارزی نیاز دارد.

موضوع مهم دیگر، الزام به فروش صدها دلار حاصل از صادرات به بانک مرکزی است. طرح از یک‌سوی صادرکنندگان را به فروش ارز صادراتی ملزم می‌کند و از سوی دیگر، بانک مرکزی را مکلف به خرید ارز حاصل از صادرات غیرنفتی و تأمین ارز واردکنندگان می‌داند. تحقق این تعهدات، مستلزم تعیین سازوکار روشن خرید و

تسویه، زمان‌بندی پرداخت‌ها، مدیریت منابع و چگونگی پاسخ‌گویی به نیازهای ارزی است. همچنین باید بررسی شود که فروش اجباری ارز با نرخ دولتی چه اثری بر انگیزه صادرات، بازگشت ارز و استمرار فعالیت صادرکنندگان خواهد داشت.در این میان، ظرفیت واقعی بانک مرکزی برای ایفاي تعهدات ارزی، به‌ویژه در شرایط محدودیت‌های خارجی و نوسان درآمدهای صادراتی، باید به‌طور مستند ارزیابی شود. افزون بر این، نسبت چنین تغییراتی با چارچوب نظام ارزی شناساور مدیریت‌شده در قانون بانک مرکزی و الزامات حقوقی تغییر این چارچوب، نیازمند بررسی دقیق است.

صنعت بانکداری: هزینه تأمین مالی با تغییر عنوان از میان نمی‌رود

ماده ۲۱ طرح، صفر شدن یک‌مهرحله‌ای نرخ بهره اسمی تمامی بانک‌های دولتی و خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری را مقرر می‌کند. تبصره این ماده نیز کارمزد وام پرداختی نظام بانکی را به حداکثر چهار درصد کل مبلغ وام در زمان بازپرداخت محدود می‌سازد. ارزیابی این حکم، دست‌کم از دو جهت ضرورت دارد: نخست، نسبت آن با ساختار حقوقی عملیات بانکی بدون ربا و دوم، آثار اقتصادی آن بر تجهیز منابع و توان تسهیلات‌دهی شبکه بانکی در نظام بانکداری بدون ربا. کارمزد قرض‌الحسنه با سود حاصل از قراردادهایی مانند فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و مشارکت، ماهیت یکسانی ندارد. بنابراین، باید روشن شود که منظور از صفر شدن «بهره اسمی» و تعیین سقف چهاردرصدی کارمزد، دقیقاً کدام انواع قرارداده‌ا و تسهیلات است و اجرای این حکم با اصول و مبنای عملیات بانکی بدون ربا چگونه سازگار خواهد شد.مسئله بنیادی‌تر، هزینه واقعی تأمین مالی است. بانک‌ها برای جذب و نگهداری سپرده‌ها، تأمین هزینه‌های عملیاتی، مدیریت ریسک اعتباری و استمرار اعطای تسهیلات، به منابع مالی پایدار نیاز دارند. تعیین نرخ صفر یا محدود کردن کارمزد، بدون تعیین تکلیف هزینه تجهیز منابع و سایر هزینه‌های بانکی، لزوماً به کاهش پایدار هزینه تأمین مالی منجر نمی‌شود.اگر سقف چهاردرصدی همه تسهیلات بانکی را در بر گیرد، باید مشخص شود هزینه‌های تجهیز منابع و عملیات بانکی چگونه جبران خواهد شد و منابع لازم برای استمرار اعتباردهی از کجا تأمین می‌شود. آثار این محدودیت

بر انگیزه سپرده‌گذاری، کیفیت تخصیص اعتبار، دسترسی بنگاه‌ها به تسهیلات و وضعیت ترازنامه مؤسسات اعتباری نیز باید بررسی شود. معیار ارزیابی این ماده، صرفاً مقایسه نرخ‌های پیش و پس از اصلاح نیست؛ بلکه امکان استمرار تأمین مالی تولید و تعیین محل تحمل هزینه‌های اجرای حکم است.

پیامدهای متقابل: از ارز و واردات تا تولید و بودجه

مواد طرح مستقل از یکدیگر عمل نمی‌کنند. تثبیت نرخ ارز و الزام بانک مرکزی به تأمین ارز واردات، بر هزینه مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و کالاهای اساسی اثر می‌گذارد. محدودیت معاملات خارج از نرخ رسمی نیز می‌تواند رفتار صادرکنندگان، واردکنندگان و سایر فعالان اقتصادی را تغییر دهد. اگر منابع ارزی برای تأمین همه نیازهای پیش‌بینی‌شده کافی نباشد، تعیین نرخ رسمی به‌تنهایی دسترسی تمام متقاضیان به ارز را تضمین نمی‌کند. محل جرائم و تعهدات ارزی به صندوق توسعه ملی را پیش‌بینی بنابراین، ظرفیت واقعی تأمین ارز، اولویت‌بندی مصارف و شیوه مواجهه با کمبودهای احتمالی باید از پیش مشخص شود:از سوی دیگر، تغییر نرخ مبنای تسعیر ارز در بودجه و محاسبات گمرکی، مطابق ماده ۳، بر برآورد درآمدها و هزینه‌های عمومی و محاسبات واردات اثرگذار است. ماده ۲۲ نیز سازمان برنامه و بودجه را مکلف می‌کند ظرف سه ماه، بودجه سال ۱۴۰۵ را متناسب با تعدیل نرخ ارز اصلاح و برای تصویب به مجلس ارائه کند. این حکم به‌روشنی نشان می‌دهد که ارزیابی سیاست ارزی پیشنهادی، بدون سنجش آثار بودجه‌ای آن، کامل نخواهد بود.ماده ۲۳ نیز انتقال برخی منابع ارزی خریداری‌شده از اشخاص و صادرکنندگان و مبالغ وصولی از محل جرائم و تعهدات ارزی به صندوق توسعه ملی را پیش‌بینی می‌کند. نحوه اجرای این حکم، ارتباط آن با منابع و مصارف صندوق و آثار آن بر تأمین مالی مورد انتظار طرح، باید در ارزیابی جامع مالی بررسی شود.همچنین، تغییر قیمت مواد اولیه، انرژی و سایر نهاده‌های تولید می‌تواند ساختار هزینه صنایع را دگرگون سازد. اجرای هم‌زمان این سیاست‌ها با محدودیت‌های ارزی و بانکی ممکن است پیامدهایی متفاوت از آثار هر سیاست به‌تنهایی داشته باشد. سیاستی که با هدف حمایت از تولید طراحی شده است، اگر با دسترسی بنگاه‌ها به ارز، مواد اولیه و اعتبار بانکی هماهنگ نباشد، هزینه تولید را افزایش خواهد داد یا استمرار فعالیت آنها را دشوارتر

آخرین وضعیت بازار رمزارزها در جهان

بیت کوین با بحران بایننس کنار می‌آید؟

قیمت بیت‌کوین در مقطعی از معاملات روزهانه، ۴.۲ درصد کاهش یافت و به حدود ۵۷۰۰ دلار رسید. اما فقط حدود هفت هفته بعد، در اواخر ژوئن، قیمت این رمزارز به حدود ۱۳ هزار و ۸۰۰ دلار افزایش یافت که حدود ۱۴۰ درصد بیشتر از کف قیمتی ثبت شده پس از حمله بود.

البته بازگشت بازار همیشه به این سرعت اتفاق نیفتاده است. هم‌زمان با فروپاشی صرافی «فا‌تی‌ایکس» (FTX) در نوامبر ۲۰۲۲، قیمت بیت‌کوین تا حدود ۱۵ هزار و ۵۰۰ دلار پایین آمد. این رمزارز در ادامه مسیر صعودی خود را از سرگرفت و در مارس ۲۰۲۴ با عبور از ۷۳ هزار و ۸۰۰ دلار، رکورد قیمتی جدیدی ثبت کرد. این قیمت حدود ۴.۸ برابر

کند. ازاین‌رو، بررسی یکپارچه ارتباط میان سیاست ارزی، نظام بانکی، بودجه عمومی و تأمین مالی تولید ضروری است.

برای تبدیل اهداف طرح به احکامی قابل اجرا، چند اقدام کارشناسی پیش از تصمیم‌گیری نهایی ضرورت دارد:

نخست، منابع مالی و ارزی مورد نیاز هر حکم، دستگاه مسئول، ابزار اجرایی، زمان‌بندی و شاخص سنجش نتایج به‌روشنی تعیین شود. دوم، آثار هر ماده بر سایر مواد طرح و نسبت آن با قوانین و مقررات جاری، به‌ویژه قانون بانک مرکزی، قانون عملیات بانکی بدون ربا و قوانین بودجه‌ای، بررسی شود. سوم، پیامدهای مالی و بانکی طرح بر پایه داده‌های واقعی و سناریوهای متفاوت برآورد شود. چهارم، برای دوره گذار، موارد استثناء، شرایط پیش‌بینی‌نشده و سازوکار اصلاح تصمیم‌ها در صورت تحقق نیافتن فرض‌های اولیه، راهکار روشن و عملیاتی پیش‌بینی شود.

در این فرایند، استفاده از تجربه مدیران و کارشناسان بانک‌های دولتی، خصوصی و بانک‌های وابسته به بخش عمومی، در کنار دیدگاه کارشناسی بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های اقتصادی ذی‌ربط، اهمیت ویژه‌ای دارد. تجربه اجرایی شبکه بانکی می‌تواند ابهام‌هایی را آشکار کند که صرفاً از مطالعه متن قانون به دست نمی‌آیند؛ به‌ویژه در زمینه تجهیز منابع، تخصیص اعتبار، اجرای تعهدات ارزی و آثار مقررات بر ترازنامه مؤسسات اعتباری. همچنین، پیش‌بینی سازوکار پایش مستمر، گزارش‌دهی منظم و بازنگری بر مبنای نتایج واقعی، برای کاهش فاصله میان اهداف مصوب و نتایج عملی ضروری است.

معیار نهایی: تاب‌آوری بیشتر با هزینه‌های قابل مدیریت

در ارزیابی طرح، نباید اهمیت اهدافی مانند ثبات اقتصادی، حمایت از تولید و تقویت ارزش پول ملی را با امکان‌پذیری ابزارهای انتخاب‌شده یکسان دانست. مطلوب بودن هدف، ضرورت بررسی تناسب ابزار با شرایط اقتصادی را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه آن را افزایش می‌دهد. تا زمانی که منابع، الزامات اجرایی و آثار متقابل احکام به‌صورت مستند ارزیابی نشده باشد، نمی‌توان درباره امکان

کف ثبت شده در زمان بحران بود. با این حال، بحران «فا‌تی‌ایکس» ققط ناشی از حمله سایبری نبود و سواستفاده از دارایی‌های مشتریان، مشکلات نقدینگی و در نهایت ورشکستگی صرافی نیز در شکل‌گیری آن نقش داشتند.

حمله سایبری به صرافی «بای‌بیت» (Bybit) در سال گذشته نیز نمونه دیگری از این روند بود. پس از سرقت حدود ۱.۵ میلیارد دلار اتریوم در ۲۱ فوریه ۲۰۲۵، بازار رمزارزها با افت مواجه شد. با این حال، حدود سه ماه بعد، در ۲۱ مه، قیمت بیت‌کوین از ۱۰۹ هزار و ۴۰۰ دلار فراتر رفت و رکورد تازه‌ای ثبت کرد. در این دوره، کاهش نگرانی‌ها درباره تعرفه‌های تجاری، افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به خرید دارایی‌های

آزمون بزرگ بازار سرمایه در جذب اسکناس‌های خانگی با سود ارزی

طرح صندوق‌های ارزی با سود ۵ درصدی، آزمونی سرنوشت‌ساز برای سیاست‌گذار است تا کارایی ابزارهای مالی را در مصاف با رخوت سنتی دلارهای خانگی بسنجد. به گزارش خبرنگار مهر، در ادبیات اقتصاد رفتاری، پناه بردن به نگهداری فیزیکی دارایی‌ها در زمان نااطمینانی‌های مزمن، واکنشی غریزی برای بقای مالی به شمار می‌رود. سال‌ها نوسانات...

سندرم «۸ میلیون تومانی» در وزارت کار

تئوریزه کردن «بیگاری»

یک فعال کارگری نوشت، اصرار بر پرداخت دستمزدهای زیر ۸ میلیون تومانی در شرایطی که سبد معیشت خانوار کارگری حتی با حداقل مزد مصوب شورای عالی کار، کفاف چند روز زندگی را نمی‌دهد، عین بیگاری است. یادداشت مهمان - سمیه گلیپور، فعال حقوق کارگران: گفتگوی تفصیلی اخیر معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با یکی از رسانه‌ها، بیش از آنکه تحلیلی واقع‌بینانه از بازار کار باشد، رونمایی رسمی از یک ارتداد سیاستی و اعتراف به نقض آشکار قوانین بالادستی کشور است. معاون محترم در بخشی از سخنان خود با فراق‌کنی به اعتراضات فعالان و منتقدان کارگری نسبت به دستمزدهای شرم‌آور زیر ۸ میلیون تومان تاخته و مدعی شده «منتقدان، جامعه هدف را متوجه نشده‌اند»...

۲

پیش‌بینی بانک جهانی از جهش ۲۳ درصدی کامودیتی‌ها؛ از مواد غذایی تا طلا

۲

مدیریت و کسب‌وکار

ظهور سازمان‌های پروژه‌محور

تصور کنید ناخدای یک کشتی هستید که در توفانی‌ترین اقیانوس تاریخ گرفتار شده‌اید. خدمه شما در موتورخانه مشغولند و با دقتی وسواس‌گونه موتورها را روغن کاری می‌کنند تا با حداکثر کارایی کار کنند، اما یک مشکل کوچک وجود دارد: سکان کشتی شکسته است و شما با سرعت به سمت صخره ها می‌روید. این دقیقاً وضعیت امروز بسیاری از شرکت های بزرگ جهان است. آنها در اجرا کردن وضعیت موجود عالی هستند، اما در تغییر دادن مسیر ناتوانند. جهان در حال عبور از یک نقطه عطف تاریخی است. نه به خاطر تکنولوژی های جدید هوش مصنوعی و نه به دلیل تغییرات ژئوپلیتیک؛ بلکه به خاطر یک تغییر پارادایم خاموش اما زلزله وار: گذار از اقتصاد مبتنی بر عملیات به اقتصاد مبتنی بر پروژه. مدل‌های سنتی مدیریت که ۱۰۰ سال بر پایه سلسله مراتب وظیفه ای و تکرار فرآیندها بنا شده بودند، دیگر پاسخگوی نیاز بازار...

اجرای هم‌زمان آنها با اطمینان‌ دآوری کرد. این ملاحظه به معنای رد قطعی طرح نیست؛ بلکه تأکیدی بر ضرورت تکمیل بررسی کارشناسی پیش از تبدیل مجموعه‌ای از سیاست‌های گسترده به تکلیف الزام‌آور قانونی است.

ضرورت پژوهش ومطالعات گسترده قبل از تصویب نهایی

با توجه به مجموع مخاطرات وریسک های اجرایی وعملیاتی طرح جدید، پیشنهاد می‌شود بررسی جامع ابعاد حقوقی، بانکی، ارزی و اقتصادی طرح، با مشارکت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی و مدرسه عالی آموزش بانکداری ایران و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های پژوهشی، ابزارهای هوش مصنوعی و نظرخواهی از خبرگان اقتصادی و مدیران مجرب شبکه بانکی، در دستور کار قرار گیرد. هدف ارزیابی امکان اجرای هم‌زمان احکام، شناسایی تعارض‌های احتمالی با قوانین جاری و برآورد آثار مستقیم و غیرمستقیم آنها بر منابع ارزی، تأمین مالی تولید، بودجه عمومی و ثبات شبکه بانکی است.در نهایت، معیار موفقیت یک طرح اقتصادی، گستردگی تکالیف آن نیست؛ بلکه توانایی تحقق اهداف با اتکا به منابع قابل اطمینان، سازوکارهای اجرایی روشن و پیامدهای ناخواسته قابل مدیریت است. از منظر کارشناسی بانکی، مسئله اصلی آن است که آیا ظرفیت واقعی بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور برای مواجهه با شوک‌های احتمالی ناشی از اجرای هم‌زمان این احکام کفایت می‌کند یا خیر. تناسب میان گستره تعهدات قانونی و ظرفیت واقعی اقتصاد و نظام بانکی برای اجرای آنها، باید پیش از تصمیم‌گیری نهایی احراز شود؛ زیرا تاب‌آوری اقتصادی، بیش از آنکه محصول تکالیف گسترده باشد، حاصل طراحی سنجیده، تأمین منابع و امکان اجرای پایدار سیاست هاست.

خلاصه کلام آنکه: از منظر یک پژوهشگر حقوق بانکیمعتقدم با توجه به شرایط کنونی اقتصاد کشور، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای مرتب بر منابع ارزی و نظام بانکی، تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر شوک‌های احتمالی ناشی از اجرای هم‌زمان احکام این طرح را نمی‌توان مفروض دانست؛ ازاین‌رو، تا پیش از ارزیابی مستند ظرفیت‌های اجرایی، منابع مورد نیاز و پیامدهای متقابل احکام آن، اجرای طرح با شکل و ترتیبات پیش‌بینی‌شده را نمی‌توان از حیث حقوقی، بانکی و اقتصادی تأیید کرد.

ریسک‌پذیر و پذیرش گسترده‌تر رمزارزها از سوی نهادهای سرمایه‌گذاری نیز به رشد بازار کمک کرد. بر اساس گزارش بلومینگ، اکنون در پی تازه‌ترین حادثه مرتبط با بایننس، پرسش اصلی این است که آثار این شوک تا چه زمانی بر بازار رمزارزها باقی خواهد ماند. بایننس اعلام کرد که دارایی کاربران در امنیت قرار دارد و بررسی‌های امنیتی را ادامه می‌دهد. در همین حال، تتر و سیرکل در مجموع دارایی‌هایی به ارزش حدود ۲.۴ میلیارد دلار را مسدود کرده‌اند. میزبان دارایی‌های قابل‌بازایی، نحوه جبران خسارت کاربران و سرعت ازسرگیری برداشتها به روال عادی، از مهم‌ترین عواملی هستند که بر بازگشت اعتماد به این صرافی تأثیر خواهند گذاشت.

حمله اخیر به صرافی بایننس، بار دیگر بازار رمزارزها را با نگرانی روبه‌رو کرده، اما تجربه نشان داده است حملات سایبری و ورشکستگی صرافی‌های بزرگ، معمولاً به افت شدید قیمت بیت‌کوین در کوتاه‌مدت منجر شده‌اند و این رمزارز در دوره‌های صعودی بعدی توانسته از رکوردهای قبلی خود عبور کند؛ البته بازگشت قیمت در برخی موارد چند ماه و در مواردی چند سال طول کشیده است.

به گزارش ایسنا، حمله سایبری به صرافی «بیت‌فینکس» (Bitfinex) در ۲۰۱۶ یکی از نمونه‌های شاخص این اتفاق بود. پس از انتشار خبر سرقت حدود ۱۲۰ هزار بیت‌کوین، قیمت این رمزارز در یک روز بیش از ۲۰ درصد سقوط کرد. با وجود

خبرنامه

سیاست دولت، مازوت‌سوزی نیست

پیش بینی سناریوهای جایگزین برای زمستان

رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی با تأکید بر اینکه سیاست دولت جلوگیری از مازوت‌سوزی در نیروگاه‌هاست، گفت: تعیین تکلیف این موضوع در زمستان امسال به میزان صرفه‌جویی مردم و صنایع و همچنین امکان واردات انرژی بستگی دارد؛ با این حال دولت برای شرایط احتمالی و استفاده از گزینه‌های جایگزین، سناریوهای مختلفی را در نظر گرفته است.

اسماعیل سقاب اصفهانی - رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی- در گفت وگو با ایسنا ، در پاسخ به پرسشی درباره احتمال افزایش مازوت‌سوزی در نیروگاه‌های زمستان امسال، با توجه به شرایط پیش‌آمده، گفت: دولت علاقه‌ای به مازوت‌سوزی ندارد و تصمیم‌گیری درباره این موضوع، دو عامل تأثیرگذار دارد.

وی ادامه داد: عامل نخست این است که مردم و صنایع تا چه اندازه مصرف خود را کاهش دهند تا نیازی به مازوت‌سوزی نباشد و بتوان نیاز انرژی را با سایر نهاده‌ها تأمین کرد. اگر همکاری لازم صورت نگیرد، ممکن است ناچار به استفاده از مازوت شویم.

سقاب اصفهانی با تأکید بر اینکه سیاست دولت، مازوت‌سوزی نیست، اظهار کرد: دولت نه از نظر زیست‌محیطی و نه از نظر اقتصادی علاقه‌ای به انجام این کار ندارد؛ اما میان خاموش کردن برق صنایع و ایجاد اختلال در زندگی مردم، ترجیح دولت این است که زندگی مردم مختل نشود و چرخ صنعت نیز از حرکت نایستد.

وی افزود: برای جلوگیری از این اتفاق، دولت با کمک مردم و از طریق سیاست‌های تشویقی، تغییر تعرفه مشترکان پرمصرف و سایر سیاست‌ها، در تلاش است میزان نیاز انرژی را مدیریت کند. واردات نیز یکی از ابزارهایی است که برای تأمین نیاز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سقاب اصفهانی با اشاره به اینکه دولت برای شرایط مختلف سناریوهایی در نظر گرفته ، گفت: اگر مردم همکاری کنند و مصرف را به میزان موردنیاز کاهش دهند، اساساً موضوع مازوت‌سوزی متنفی خواهد شد. در سناریوهای دیگر نیز میزان صرفه‌جویی مردم و امکان واردات انرژی در نظر گرفته می‌شود. اگر مردم به میزان کافی همکاری نکنند و امکان واردات نیز پاسخ‌گوی نیاز نباشد، باید از گزینه‌های جایگزین استفاده کنیم. بنابراین، در حال حاضر نمی‌توان پاسخ قطعی درباره میزان مازوت‌سوزی در زمستان امسال ارائه کرد؛ چراکه این موضوع به شرایط و میزان تحقق عوامل مختلف بستگی دارد.

رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی تأکید کرد: تمام تلاش دولت و سیاست‌الایی رئیس‌جمهور این است که مازوت‌سوزی انجام نشود، اما باید برای همه سناریوها نیز آماده باشیم. اگر در نهایت ناچار به مازوت‌سوزی شویم، برنامه‌هایی برای کاهش هزینه‌های زیست‌محیطی و انسانی آن در نظر گرفته خواهد شد. در این چارچوب، پیشنهادهایی از جمله ملاحظات زیست‌محیطی، تعیین محدودیت‌ها در برخی استان‌ها و مدیریت زمان استفاده از سوخت در نیروگاه‌ها مطرح است تا در صورت ضرورت، آثار منفی آن کاهش یابد.

سقاب اصفهانی در پایان ابراز امیدواری کرد که شرایط به‌گونه‌ای پیش برود که نیازی به اجرای این سناریوها نباشد و گفت تحقق این هدف به همکاری مردم، صاحبان صنایع و استفاده از ابزارهایی مانند واردات بستگی دارد.

تولیدکنندگان لوازم خانگی در انتظار حمایت بانکی / منابع به توزیع می‌رسد!

در شرایطی که تولیدکنندگان لوازم خانگی با مشکلاتی همچون تأمین مواد اولیه، کمبود نقدینگی، محدودیت‌های ارزی و افزایش هزینه‌های تولید مواجه‌اند، رئیس اتحادیه لوازم خانگی با انتقاد از نحوه تخصیص منابع بانکی گفت که منابع مالی بانک‌ها به‌جای حمایت از بخش تولید به سمت توزیع کالا هدایت شده است.

اکبر بازویی در گفت‌وگو با ایسنا، با تشریح وضعیت فعلی تولید لوازم خانگی اظهار کرد: شرایط تولید مناسب نیست و تحریم‌ها، در کنار مشکلات حمل‌ونقل زمینی، هوایی و دریایی، موجب شده مواد اولیه مورد نیاز تولیدکنندگان در زمان مقرر به دست آن‌ها نرسد.

وی با اشاره به مشکلات تأمین مواد اولیه از داخل کشور نیز گفت: بخشی از مواد اولیه در داخل تولید می‌شود، اما به‌جای آنکه به‌صورت مستقیم و به‌موقع در اختیار تولیدکننده قرار بگیرد، در بورس عرضه می‌شود. در این شرایط، نحوه عرضه و قیمت‌گذاری باعث ایجاد هزینه‌های مضاعف می‌شود و مواد اولیه با قیمت بالاتری به دست تولیدکننده می‌رسد.

رئیس اتحادیه لوازم خانگی تهران، مشکلات مربوط به تأمین ارز را از دیگر موانع تولید دانست و افزود: مجموعه این مسائل، هزینه تولید را افزایش داده و شرایط فعالیت واحدهای تولیدی را دشوار کرده است. بازوکی با اشاره به وضعیت بازار لوازم خانگی تصریح کرد: مسئله امروز بازار صرفاً گران‌فروشی نیست، بلکه با گرانی کالا مواجه هستیم. افزایش قیمت‌ها موجب شده قدرت خرید مصرف‌کنندگان کاهش پیدا کند و تولیدکنندگان با وجود عرضه کالا، با کمبود تقاضا مواجه باشند.

وی با انتقاد از نحوه هدایت منابع بانکی اظهار کرد: منابع بانک‌ها به‌جای آنکه در اختیار بخش تولید و تأمین مواد اولیه قرار بگیرد، به سمت توزیع کالا رفته است؛ درحالی‌که تولیدکننده برای ادامه فعالیت به تأمین مالی نیاز دارد.

رئیس اتحادیه لوازم خانگی تهران با اشاره به محدودیت توان مالی فعالان شبکه توزیع گفت: فروشندگان توان آن را ندارند که کالا را با شرایط اعتباری بلندمدت ۱۰، ۱۲ یا حتی ۲۴ماهه عرضه کنند. تبلیغات فروش اقسالی در رسانه‌ها نیز نشان می‌دهد که بازار برای تحریک تقاضا به چنین سازوکارهایی نیاز پیدا کرده است.

پازوکی در ادامه با اشاره به روند تولید لوازم خانگی در سال‌های گذشته اظهار کرد: در هفت سال گذشته و پس از ممنوعیت واردات برخی کالاها، تولید داخلی افزایش پیدا کرد؛ اما بخشی از این افزایش تولید، به‌جای آنکه به صادرات منجر شود، در بازار داخل عرضه شد و در نهایت به مصرف‌کنندگان داخلی رسید.

وی درباره راهکار برون‌رفت از مشکلات موجود نیز گفت: دولت باید توجه بیشتری به وضعیت تولیدکنندگان داشته باشد. انجمن‌ها و تشکلات‌های مرتبط، ارتباط نزدیکی با فعالان این صنعت دارند و انتظار می‌رود از طریق این ارتباط، مشکلات تولیدکنندگان به‌درستی شناسایی و برای رفع آن‌ها اقدام شود. بازوکی همچنین درباره کالاهای ایرانی با برندهای خارجی در بازار گفت: از یک سو، این مسئله نشان‌دهنده کیفیت تولیدات داخلی است، اما از سوی دیگر، جای تأمل دارد. برخی کالاهای ایرانی به مناطق مرزی منتقل می‌شوند و پس از تغییر برند، با عنوان و نشان تجاری خارجی در بازار عرضه می‌شوند.

وی این موضوع را نشانه‌ای از کیفیت برخی محصولات تولید داخل دانست و بر ضرورت توجه به جایگاه برندهای ایرانی در بازار تأکید کرد.

www.forsatnet.ir

یک فعال کارگری نوشت، اصرار بر پرداخت دستمزدهای زیر ۸ میلیون تومانی در شرایطی که سبد معیشت خانوار کارگری حتی با حداقل مزد مصوب شورای عالی کار، کفاف چند روز زندگی را نمی‌دهد، عین بیگاری است. یادداشت مهمان – سمیه گلیپور، فعال حقوق کارگران- گفتگوی تفصیلی اخیر معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با یکی از رسانه‌ها، بیش از آنکه تحلیلی واقع‌بینانه از بازار کار باشد، رونمایی رسمی از یک ارتداد سیاسی و اعتراف به نقض آشکار قوانین بالادستی کشور است.

معاون محترم در بخشی از سخنان خود با فرافکنسی به اعتراضات فعالان و منتقدان کارگری نسبت به دستمزدهای شرم‌آور زیر ۸ میلیون تومان تاخته و مدعی شده «منتقدان، جامعه هدف را متوجه نشده‌اند!» اینجا باید گفت جناب معاون! اتفاقاً جامعه کارگری دقیقاً متوجه شده چه برنامه‌ای برای نیروی کار دارید. آنها خوب فهمیده‌اند که وقتی در پناه واژگانی چون «اشتغال عمومی» و «شرایط جنگی» به‌صراحت اعلام می‌کنید «در این طرح به هیچ‌وجه بیمه تأمین اجتماعی نداریم و خارج از شمول قانون کار است»، نام این بدعت، نه تدبیر اقتصادی، بلکه تئوریزه‌کردن قانون‌شکنی و سازمان‌دهی رسمی «بیگاری» است.

اما قبل از هر پاسخی، باید یک تخلف دیگر را هم — که در هیچ سؤالی از شما پرسیده نشد — روی میز بگذاریم: جایی در پایان همین یادداشت، از شورایی حرف خواهیم زد که شما خودتان مکلف به تشکیل‌شستید و قریب به دو سال است حتی یک بار هم دورش نشست‌اید، شورای به نام «شورای عالی اشتغال»، آنجا معلوم می‌شود «ترک فعل» اسم رسمی دارد.

مزد ۸ میلیون تومانی عین بیگاری است

اصرار بر پرداخت دستمزدهای خنده‌آور زیر ۸ میلیون تومان در شرایطی که سبد معیشت واقعی خانوار کارگری به گواه محاسبات کمیته مزد و تشکلات‌های صنفی عبور کرده و حداقل مزد مصوب شورای عالی کار حتی کفاف چند روز زندگی را نمی‌دهد، عین بیگاری کشیدن از گلوی گرسنه کارگر است.

این مقایسه شعار نیست؛ یک حقیقت سهمگین تاریخی است: در تاریخ‌ترین ادوار برده‌داری کهن، برده‌دار، برای حفظ توان فیزیکی کار، مسکن، خوراک روزانه و حداقل‌های درمان برده را تأمین می‌کرد؛ اما در این «تأوری اشتغالی» وزارت کار، کارگر باید با مزد ناچیز ۸ میلیون تومانی نتنها کار کند، بلکه هزینه اجاره نجومی، سفره خالی، درمان سرسام‌آور و خطرات ناشی از نبود ایمنی کار و حتی نبود کف حمایت‌های اجتماعی یعنی بیمه و حوادث کار را هم خودش بر دوش بکشد. آقایان به نام دولت، سیستمی پیشنهاد می‌دهند که حداقل‌های معیشتی آن حتی از نظام‌های کهن استعماری نیز تحیف‌تر است. این نه بیکاری است، نه اشتغال؛ این عین بیگاری کشیدن است، آن هم بی‌ان و مسکن.

ماده ۱۴۸ قانون کار و اصل ۲۹ قانون اساسی تعلیق‌پذیر نیستند
وزارت کار متولی نظارت بر اجرای قانون کار است، نه سردمدار نقض آن. اینکه معاون وزیر در رسانه رسمی کشور اعلام کند که در این طرح «به هیچ‌وجه بیمه تأمین اجتماعی نداریم، اعتراف آشکار به وقوع جرم موضوع ماده ۱۴۸ قانون کار است.

طبق قانون، بیمه کردن کارگر تکلیفی آمره، غیرقابل‌اسقاط و تخطی‌ناپذیر است و کارفرمای متخلف مجرم شناخته می‌شود. چطور معاونتی که باید بازرسان کارش متخلفان را به مراجع قضایی معرفی کند، خود طراح نقض ماده ۱۴۸ و لگدمال‌کردن اصل ۲۹ قانون اساسی (حق همگانی تأمین اجتماعی) شده است؟ بهانه کردن «شرایط جنگی» برای تعلیق حقوق آمره کارگران بدعتی خطرناک است. مگر در دوران ۸ سال دفاع مقدس که کشور در خط مستقیم آتش بود، حقوق بنیادین کارگران و پوشش بیمه‌ای آنان ملغی شده ر اشتثنایی که با برچسب «مقطعی» وارد بازار کار شود، به رویه دائمی کارفرمایان سودجو تبدیل خواهد شد؛ همان‌طور که مصیبت شرک‌های پیمانکاری تأمین نیرو روزی با همین بهانه‌های مقطعی زاده شد و امروز ریشه امنیت شغلی را خشکاند.

«لایروبی رودخانه» برای نسل بیکار تحصیلکرده بی‌مسکن؛ طنز تلخ سیاست‌گذاری

شاید مضحک‌ترین و تلخ‌ترین بخش این سخنان، اشاره به «لایروبی رودخانه‌ها» به‌عنوان نمونه پروژه‌های اشتغال عمومی بود. بگذارید

اقتصاد امروز

سندرم «۸ میلیون تومانی» در وزارت کار

تئوریزه کردن «بیگاری»



همین نمونه را دقیق واکاوی کنیم:

– این برنامه‌ریزی مبتنی بر چه داده‌ای است؟

– از کدام سند رسمی و کدام آمار استخراج شده که کشور به تعداد مشخصی «لایروب» در دل روستاها نیاز دارد؟
– نقشه دقیق کدام رودخانه‌ها، در کدام استان‌ها و با چه اولویتی تهیه شده است؟ یا صرفاً تصویر ذهنی دهه چهل و پنجاهی از «لایروبی نهر» در ذهن طراحان وزارتی است که هنوز آمار روز بازار کار را درک نکرده‌اند؟

جوانی که چند سال عمر خود را صرف تحصیل در مقاطع دانش‌آموزی، کار و دانش، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و حتی دکتری کرده و امروز از بیکاری و نبود شغل رنج می‌برد و از تشکیل دادن خانواده، درمان، مسکن، غذا و… عاجز مانده و عملاً از کار و اشتغال در دانش و مهارت تخصصی خود بی‌کار مانده و در مضیقه‌ای تلخ قرار گرفته است، حالا باید با مزد ۸ میلیون تومانی، بدون بیمه، بدون مسکن و بدون درمان به دل روستا فرستاده شود تا بیل و کلنگ لایروبی به دست بگیرد؟ این نه اشتغال‌آفرینی که تحقیر کرامت علمی یک نسل و فروپاشی عدالت بین‌نسلی است. این توجیه تحمیلی که با برچسب «واسطه توسعه» بزک می‌شود چه سیاستی و چه تضمینی دارد که این نیروی جوان مجرد یا متأهل بی‌خانه باید در روستای دورافتاده، دور از خانواده و درمانگاه مستقر شود؟ بدون تعهد مسکن، بدون بیمه حوادث — که در حرف‌های پرخطر نظیر لایروبی حیاتی است — و با حقوقی که حتی اجاره یک اتاق در همان روستا را هم کفاف نمی‌کند!

یک واقعیت ساده فنی که فراموش شده این است که اگر واقعاً مدیریت منابع آب و لایروبی رودخانه‌ها لازم و ضروری است، این یک پروژه عمرانی ملی-استانی قانونمند با ردیف بودجه، پیمانکار متخصص، ماشین‌آلات تخصصی و ایمنی کار است، نه کار دستی بی‌بیمه‌ای که محلل پاک‌کردن صورت‌مسئله بیکاری نخبگان شود. اسم این نمی‌شود «اشتغال عمومی»؛ اسمش عقب‌گرد به نظام بیگاری دولتی است.

شعبده‌بازی با آمار

در بخش آماری این سخنان، گاف‌ها و تناقضاتی به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده دستپاچگی در توجیه طرح ضدکارگری است:

خام‌فروشی عدد یک میلیون و ۱۵۰ هزار نفر:

ادعا می‌شود این تعداد بیمه‌شده اجباری از بازار کار حذف شده‌اند، اما در همان جمله اعتراف می‌کنند که عدد «خام است و پالایش نشده!» چطور ممکن است بیش از کسر بازنستگان، متوفیان، نقل‌وانتقالات صندوق‌ها و ورودی‌های جدید، یک عدد خام را چماقی کرده و بر سر مطالبات مزدی کارگران بکوبید؟

استفاده مکانیکی و پنخ‌ما از ضرب و تقسیم اقتصادی:

پیش‌بینی حذف ۱٫۴ میلیون شغل با ضرب‌کردن یک ضرب قدیمی و فرسوده (۱۷۰ هزار شغل به ازای هر یک درصد رشد اقتصادی) در فرضیات خیالی رشد منفی ۷ تا ۸ درصد، بازی با ماشین‌حساب است نه تحلیل علمی! ساختار اشتغال امروز واردات‌محور، نفت‌محور و خدماتی

تلفن مستقیم: ۰۲۱۳۳۹۰۷۳۶۰

با یک عدد دهه‌های قبل آن چنان ساده ضرب نمی‌شود. چطور هم‌زمان ادعا می‌کنید صدها هزار شغل ریزش کرده اما از اشتغال‌آفرینی صدها هزار نفری با وام‌های خرد دم می‌زنید؟ این تناقضات نشان می‌دهد آمارها نه برای تحلیل، بلکه برای ایجاد ایجاد ترس و تسلیم جامعه کارگری چیده شده‌اند.

تعریف نمونه‌های جهانی:

استناد به نیودیل آمریکا و قانون اشتغال روستایی هند (MGNREGA) قلب واقعیت تاریخی است. در قانون هند، کارگر ضمانت قانونی حداقل دستمزد دولتی دارد و عدم پرداخت به‌موقع آن مشمول جریمه روزانه است؛ در نیودیل نیز پروژه‌ها بر پایه دستمزد قانونی و پوشش ایمنی اجرا شدند، نه نفی بیمه و اسقاط قانون کار. کجای دنیا دولت خودش، کارگاه بدون بیمه دایر می‌کند؟ قریب به دو سال است حتی یک شورای عالی اشتغال هم تشکیل نشده؛ شما اول قانون را اجرا کنید!

و اما همان تخلفی که درباره‌اش سؤال نمی‌شود. آقای معاون! مگر نمی‌دانید طبق قانون ترجیع شورای عالی اشتغال (مصوب ۱۳۷۷)، این شورا — عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری اشتغال کشور که ریاستش با رئیس‌جمهور است — موظف است حداقل هر ۶ ماه یک‌بار و در سال دو جلسه تشکیل دهد؟

آیا تشکیل شده؟ آخرین جلسه ثبت‌شده «هشتاد و نهمین جلسه» به ۲۵ فروردین ۱۴۰۴ بازمی‌گردد؛ (و به ادعای بسیاری از فعالان، نزدیک به دو سال) حتی یک جلسه هم تشکیل نشده است. چه بهانه‌ای برای این ترک فعل بزرگ در شرایط جنگی و آسیب جدی وارد شده به اشتغال کشور دارید؟

قطعا بهانه‌ای برای این ترک فعل وجود ندارد.

دبیرخانه این شورا با وزارت کار است و تشکیل جلسات با پیگیری وزیر صورت می‌گیرد. پس سؤال مستقیم از شما این است: وقتی شورای عالی اشتغال قریب به دو سال است تشکیل نشده و سیاست‌گذاری هماهنگ اشتغال عملاً تعطیل است، شما در همان معاونت خودتان چه کرده‌اید جز نشستن پشت میز و تئوریزه کردن کار بی‌بیمه؟ ترک فعل شما غفلت ساده نیست؛ تخلف از یک تکلیف قانونی صریح است. اول قانون را در خانه خودتان اجرا کنید.

وقتی سکان‌داری قانونی اشتغال تعطیل است، معلوم است که خروجی اتاق‌های فکر این معاونت چیزی جز تئوریزه کردن نقض قانون کار، مشروعیت‌بخشی به استثمار و خلع‌سلاح کردن نیروی کار نخواهد بود. دستگاه‌های نظارتی و سازمان بازرسی کل کشور باید دقیقاً بر همین نقطه تمرکز کنند: ترک فعل در تشکیل شورای عالی اشتغال و پیامد آن یعنی سقوط آزاد امنیت شغلی در کشور.

مطالبات جامعه کارگری در این حوزه

جناب معاون و مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی! جامعه کارگری ایران دیگر در برابر بازی با کلمات و تئوری‌بافی برای ارزان‌سازی نیروی کار سکوت نخواهد کرد:

- هرگونه اشتغال عمومی باید ذیل قانون کار، با پرداخت حداقل دستمزد واقعی و پوشش کامل بیمه تأمین اجتماعی باشد. کار بدون بیمه رسماً نامش «استثمار غیرقانونی» است و اجازه نخواهیم داد دولت کارفرمای متخلف شود.
- وزارت کار باید به جای توجیه دستمزدهای حقارت‌آمیز ۸ میلیون تومانی، به ماده ۴۱ قانون کار برگردد؛ تورم واقعی و سبد معیشت را مبنای دستمزد قرار دهید، نه آنکه با طرح‌های ضربتی کارگران را به دوران ماقبل قانون کار پرتاب کنید.
- صندوق بیمه بیکاری متعلق به کارگران است. اگر بحران بیکاری وجود دارد، وظیفه دولت تزریق منابع حاکمیتی به صندوق بیمه بیکاری و حمایت معیشتی از بیکارشدگان است، نه سوق‌دادن آن‌ها به مشاغل بی‌هویت و بدون پشتوانه.
- تشکیل فوری شورای عالی اشتغال با رعایت الزام قانونی دو جلسه در سال، انتشار صورت‌جلسات و مصوبات آن و پاسخگویی عمومی درباره چرایی این غیبت قریب به دو ساله.
- دوران نسخه‌پیچی‌های یک‌طرفه در اتاق‌های درسته وزارتخانه به سر آمده است. کارگران ایران سربازان خط مقدم تولید در همین روزهای دشوارند؛ پاسخ وفاداری آن‌ها به تولید و کشور، شکستن کرامتشان با طرح‌های بدون بیمه و حقوق‌های زیر خط فقر مطلق نیست. کارگران صدقه نمی‌خواهند؛ قانون را اجرا کنید!

پیش‌بینی بانک جهانی از جهش ۲۳ درصدی کامودیتی‌ها؛ از مواد غذایی تا طلا

می‌شود که قیمت مواد غذایی در سال ۲۰۲۷ بیش از هفت درصد دیگر رشد کند و در مجموع، طی این ۲ سال حدود ۱۸ درصد افزایش یابد.

طبق گزارش بانک جهانی، در یک سناریوی ناخوشایند، تلفیق پدیده آل‌نینو، اختلالات بیشتر در جابه‌جایی غلات از دریای سیاه، تشدید درگیری‌های خاورمیانه و ادامه آسیب به زیرساخت‌های نفتی روسیه می‌تواند قیمت مواد غذایی را ۱۲ درصد از سطح پیش‌بینی‌شده بالاتر ببرد. این نهاد هشدار داده که این وضعیت ممکن است به ایجاد بحرانی غذایی مشابه بحران اوایل دهه ۲۰۱۰ منجر شود؛ بحرانی که بیش از ۴۰ میلیون نفر دیگر را به ورطه فقر شدید کشاند. افزون بر این، انتظار می‌رود که قیمت کودهای شیمیایی در سال ۲۰۲۶ و ناشی از جهش قیمت اوره، حدود ۱۴ درصد افزایش یابد و پیش‌بینی می‌شود که قیمت کود در سال ۲۰۲۷ به سطح سال ۲۰۲۵ بازگردد.

این نهاد جهانی همچنین پیش‌بینی کرد که قیمت فلزات در سال ۲۰۲۶ حدود ۲۵ درصد افزایش یابد و به رکوردی تازه برسد. بر این اساس، قیمت آلومینیوم، مس و قلع تحت تأثیر اختلال در عرضه و تقاضای قوی ناشی از سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، خودروهای برقی و مراکز داده، همگی رکوردهای جدیدی ثبت خواهند کرد.

طبق گزارش بانک جهانی، همچنین پیش‌بینی می‌شود که قیمت فلزات گرانبها در سال ۲۰۲۶ حدود ۴۰ درصد جهش کند. افزایش تقاضا برای دارایی‌های امن در پی ابهامات ژئوپلیتیکی، عامل اصلی این رشد خواهد شد و انتظار می‌رود که این روند در سال ۲۰۲۷ اندکی تعدیل شود.

هزینه‌های انرژی و اختلال تجاری، قیمت طیف گسترده‌ای از کالاها را بالا می‌برد و خطر تشدید تورم، ناامنی غذایی و تضعیف رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد.»

بانک جهانی، این گزارش را که دو بار در سال منتشر می‌شود، ۲ روز پیش از آنکه وزیران خارجه ۲۰ اقتصاد بزرگ جهان برای نشستی در آتلانتا در ایالت جورجیای آمریکا گرد هم بیایند منتشر کرد؛ نشستی که در آن جنگ خاورمیانه و جنگ اوکراین از محورهای آن خواهند بود.

طبق این گزارش، بانک جهانی تاکنون ۸.۷ میلیارد دلار وام کم‌بهره و سایر کمک‌های در اختیار ۲۵ کشوری قرار داده که از جنگ خاورمیانه آسیب دیده‌اند. این گزارش همچنین حاکی از آن است که قیمت جهانی انرژی در سال جاری میلادی، ۲۲ درصد افزایش یافته و به بالاترین سطح خود از زمان حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ رسیده است.

پیش‌بینی می‌شود که با کاهش تولید نفت، قیمت برنت در کوتاه‌مدت همچنان بالا بماند و به طور متوسط در سال جاری به ۹۲ دلار در هر بشکه برسد. به گفته این نهاد، اگر پیش‌بینی نمی‌شد که تقاضای نفت در سال جاری ۲.۵ درصد کاهش یابد، قیمت‌ها حتی بالاتر می‌رفت. این کاهش تقاضا به لحاظ شدت، پس از شوک ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۰ و بحران نفتی سال ۱۹۸۰، سومین افت بزرگ ثبت‌شده خواهد بود.

در این گزارش آمده است که انتظار می‌رود قیمت مواد غذایی در سال ۲۰۲۶ اندکی بیش از ۱۰ درصد افزایش یابد. اختلال در ارسال محموله‌های غلات در دریای سیاه ناشی از درگیری‌های روسیه و اوکراین، از عوامل اصلی این افزایش است. همچنین پیش‌بینی

اخبار

انرژی خورشیدی به نقطه عطف جدیدی رسید

انرژی خورشیدی در ۲۰۲۵ بی‌سروصدا از انرژی هسته‌ای در تولید برق جهان پیشی گرفت و ۱۳ درصد برق بیشتری تولید کرد. به گزارش ایسنا، این دستاورد با توجه به اینکه تنها یک دهه پیش در ۲۰۱۵، تولید برق خورشیدی در جهان فقط ۲۵۶ تراوات‌ساعت بود، در حالی که تولید برق هسته‌ای به ۲۵۷۶ تراوات‌ساعت –حدود ۱۰ برابر بیشتر– می‌رسید، چشمگیر است.

دیو جونز، از بنیان‌گذاران اندیشکده «مبر» (Ember) در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی گفت: اینکه انرژی خورشیدی بیش از مجموع تمام نیروگاه‌های هسته‌ای جهان برق تولید می‌کند، واقعا آماری باورنکردنی است.

رشد انرژی خورشیدی چشمگیر بوده است. این منبع انرژی هر سال فراتر از انتظارات ظاهر شده و همزمان، هزینه پنل‌های خورشیدی به‌شدت کاهش یافته است. تولید برق خورشیدی در جهان تقریباً هر سه سال، دو برابر شده و در ۲۰۲۵ به، ۲۷۷۸ تراوات‌ساعت رسیده است. بخش عمده این توسعه در چین اتفاق افتاده است که طی دهه گذشته، صنعت تولید تجهیزات خورشیدی خود را به‌شدت گسترش داده است. عرضه گسترده پنل‌های خورشیدی ارزان‌قیمت چینی نیز به گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر در سراسر جهان کمک کرده است. پنل‌های خورشیدی حتی در کشورهای فقیر نیز به یکی از ارزان‌ترین و مطمئن‌ترین گزینه‌های تامین انرژی تبدیل شده‌اند. انرژی خورشیدی به سریع‌ترین منبع در حال رشد برای تولید برق جدید در تاریخ بشر تبدیل شده است زیرا احداث ظرفیت جدید تولید برق با استفاده از این منبع، ارزان‌تر از هر گزینه دیگری در جهان است. قیمت پنل‌های خورشیدی فتوولتائیک از ۲۰۱۰ تاکنون، حدود ۹۰ درصد کاهش یافته است. این کاهش چشمگیر هزینه‌ها باعث شده است کشورهای فقیر نیز بتوانند استفاده از این فناوری را با سرعت بیشتری گسترش دهند. در ابتدا، کشورهای ثروتمند پیشگام توسعه انرژی خورشیدی بودند، اما اکنون اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور، سهم فزاینده‌ای از رشد تقاضا برای این انرژی را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس گزارش «بیل انوایرومنت ۲۰۲۶» (Yale Environment ۲۰۲۶)، در حدود ۶۳ درصد از بازارهای نوظهور آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، انرژی خورشیدی سهم قابل‌توجهی در تولید برق دارد. در این بازارها، سهم برق خورشیدی از کل برق تولید شده، بیشتر از سهم آن در آمریکا است. کشورهایی مانند برزیل، شیلی، السالوادور، مراکش، کنیا و نامیبیا در گذار به انرژی پاک از آمریکا پیشی گرفته‌اند. پاکستان نیز به نمونه‌ای غیرمنتظره از گسترش استفاده از انرژی خورشیدی تبدیل شده است به‌طوری‌که ساکنان این کشور با سرعتی بیشتر از هر بازار دیگری در جهان، پنل‌های خورشیدی و باتری‌ها را روی پشت‌بام خانه‌های خود نصب می‌کنند. کاهش قیمت باتری‌ها نیز تا حدی به گسترش پنل‌های خورشیدی پشت‌بامی در کشورهایی مانند پاکستان کمک کرده و این روند، استفاده از سامانه‌های ترکیبی پنل خورشیدی و باتری را با هزینه‌ای پایین امکان‌پذیر کرده است. پیشرفت فناوری باتری‌ها نیز به رفع یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های انرژی خورشیدی – نابوستگی تولید برق – کمک می‌کند. یان روزنو، استاد سیاست‌گذاری انرژی و اقلیم در دانشگاه آکسفورد انگلیس گفت: اکنون در مناطق اقبالی، ترکیب انرژی خورشیدی و ذخیره‌سازی انرژی به‌طور معمول ارزان‌تر از احداث نیروگاه‌های جدید با سوخت فسیلی است. باتری‌ها تا حد زیادی مشکل انتقال روزانه برق تولید شده از نور خورشید در میانه روز به ساعات عصر را بر طرف کرده‌اند. هزینه پایلن، امکان ذخیره‌سازی انرژی و استقلال در تامین انرژی، در کنار یکدیگر به تقویت امنیت انرژی در اقتصادهای مختلف کمک کرده‌اند. در سطح جهان، انرژی‌های تجدیدپذیر اکنون در مقایسه با نفت و گاز، امکان دسترسی به‌ثبات‌تر و مقرون‌به‌صرفه‌تری به انرژی فراهم می‌کنند. بر اساس گزارش اوپل پرایس، الیشیا ژائو، کارشناس دانشگاه مریلند در زمینه مسیرهای کاهش انتشار آلاینده‌ها در آمریکا گفت: حتی با افزایش هزینه‌ها، انرژی خورشیدی همچنان یکی از ارزان‌ترین منابع جدید تولید برق در آمریکا است. همچنین، صرف‌نظر از گرایش‌های سیاسی، ساخت تاسیسات خورشیدی همچنان ادامه دارد.

بزرگ‌ترین صرافی رمزارز جهان هدف بزرگ‌ترین سرقت تاریخ قرار گرفت

هک‌های ظاهرا مرتبط با کره شمالی، روز پنج‌شنبه بیش از ۶ میلیارد دلار رمزارز از صرافی بایننس را به سرقت بردند و رکورد بزرگ‌ترین سرقت از این نوع را شکستند.

به گزارش ایسنا، تا پنج‌شنبه شب در ایالات متحده، تیمی از شرکت‌های رمزارز موفق شدند حدود ۳ میلیارد دلار از غنیمت دزدیده شده را در میان نبردی شدید با هکرها برای یافتن و کنترل رمزارز مسدود کنند. هکرها به کیف پول‌های دیجیتال نگهداری شده در بایننس، بزرگ‌ترین صرافی ارز دیجیتال جهان، نفوذ کردند. بایننس اواخر پنج‌شنبه اعلام کرد که تحقیقات اولیه نشان می‌دهد که این هک از طریق لپ‌تاپ یک مهندس انجام شده است، که به یک مهاجم اجازه داده تا به یک کانترپت سرویس دسترسی پیدا کند و تراکنش‌های برداشت غیرمجاز را انجام دهد. بایننس اعلام کرد که تمام ضررها را از وجوه شرکت و یک صندوق دارایی‌های اضطراری، پوشش می‌دهد و افزود وجوه کاربران ایمن است. این صرافی ارز دیجیتال همچنین اعلام کرد که به‌طور موقت واریزها و برداشت‌ها را به حالت تعلیق درآورده تا بررسی‌های امنیتی تکمیل شود؛ مجوز آدرس آسیب دیده را لغو کرده و شرکای مجری قانون و اطلاعات بلاکچین را برای ردیابی و بازپایی وجوه استخدام کرده است. تحلیل‌گران از میزان پولی که به سرقت رفته است، شوکه شدند. شرکت ردیابی رمزارزهای TRM Labs، این سرقت را «بر اساس اطلاعات قوی درون و برون زنجیره‌ای» به یک واحد هک زنده کره شمالی نسبت داد.

چینالیسیس، یکی دیگر از شرکت‌های ردیابی رمزارزها، اعلام کرد که در حال رصد وجوه سرقت شده «در حال انتقال در چندین بلاکچین»، از جمله بیت‌کوین و اتریوم، است. سخنگوی چینالیسیس به سی‌ان‌ان گفت که این شرکت «اطمینان بالایی» دارد که کره شمالی پشت این هک بوده است.

اگر ثابت شود که کره شمالی مقصر است، برای مقامات اجرای قانون ایالات متحده و کارشناسان خصوصی تعجب‌چندانی نخواهد داشت. هک‌های کره شمالی به خطر خطر رکوردشکن قبلی رمزارزها، زمانی که گفته می‌شد ۱.۵ میلیارد دلار از صرافی بزرگ رمزارز بای‌بیت، سرقت کرده‌اند، مقصر شناخته شدند. در آن مورد، مهاجمان مبلغی معادل بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی سالانه گزارش شده کره شمالی را در عرض چند دقیقه به سرقت بردند. بر اساس گزارش شبکه سی‌ان‌ن، به گفته مقامات فعلی و سابق آمریکا و کره جنوبی، تیم‌های هکری قدرتمند کره شمالی منبع اصلی درآمد این کشور هستند. طبق گزارش‌های سازمان ملل و شرکت‌های خصوصی، هک‌های مرتبط با پیونگ یانگ طی چند سالال گذشته، میلیاردها دلار از بانک‌ها و شرکت‌های ارز دیجیتال سرقت کرده‌اند.

نبرد با زمان برای تأمین گاز زمستان



نیازمند زمان و تجهیزات پیشرفته‌ای است که شاید برخی به علت تحریم‌ها علیه ایران، به آسانی در دسترس نباشد. از سوی دیگر حتی اگر مهندسان تا اواخر آذر امسال بار دیگر رکورد جدیدی ثبت کنند و بتوانند ۱۳۰ میلیون مترمکعب ظرفیت آسیب دیده را نیز به مدار تولید بازگردانند، کسری گاز به صفر نمی‌رسد بلکه وزارت نفت وظیفه خود را در بازگرداندن زیرساخت‌های آسیب دیده به مدار تولید انجام داده اما ناترازی گذشته پابرجاست.

حمید بورد سرپرست وزارت نفت در جریان بازدیدی که از عسلویه داشت، با اعلام اتمام به‌موقع تعمیرات اساسی تاسیسات انرژی در شه‌پور و همراه امسال از شتاب‌بخشی به پروژه‌های بازسازی و توسعه‌ای با هدف خدمت‌رسانی مطلوب در فصل زمستان خبر داد. وی بر ضرورت تسریع در اجرای پروژه‌ها تأکید کرد و گفت: در صورت نیاز به تغییر قرارداده‌ها برای تسریع روند بازسازی، این تغییرات باید انجام شود و در مورد تأمین مالی پروژه‌ها نیز باید به زیان مشترکی با بانک‌ها برسیم. سرپرست وزارت نفت با بیان اینکه نباید زمان را برای بازسازی تاسیسات آسیب‌دیده صنعت نفت از دست بدهیم، تأکید کرد: راهکارها باید به نفع همه عناصر دخیل در پروژه باشد و به همین خاطر منابع مالی مختلفی برای اجرای پروژه‌ها در نظر گرفته شده است.

تأمین گاز پایدار در زمستان، اولویت وزارت نفت

سرپرست وزارت نفت مهمترین اولویت این وزارتخانه در ماه‌های پیش رو را تأمین پایدار گاز در زمستان دانسته و گفته است: می‌دانم اجرای عملیات بازسازی تاسیسات با سرعت بالا دشوار است، اما باید همه تلاش خود را برای کشور به کار بگیریم با این وجود برای حل مشکلات بی‌شک به کمک مردم نیاز داریم. مردم می‌دانند که با دشمنی سرسخت روبه‌رو هستیم و همان‌طور که تاکنون پای کار بوده‌اند، امیدواریم همچنان پای کار ایران بمانند.

فرشاد قمیعی، رئیس هیات‌عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران که مسئولیت بازسازی فاز ۱۴ پارس جنوبی را بر عهده دارد، در این باره گفته است: پیشرفت فیزیکی بازسازی این بخش آسیب دیده از جنگ به ۷۴ درصد رسیده است. تمام برنامه‌ریزی‌ها به‌گونه‌ای انجام شده است که با پالایشگاه حداکثر تا اول دی‌ماه به مدار تولید گاز کشور بازگردد و حدود ۱۴ میلیون مترمکعب به ظرفیت تولید گاز افزوده شود.

فرخ علیخانی، تمشیت امور اجرایی و مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران نیز با اشاره به پیگیری مستمر فعالیت‌های در دست اقدام این حوزه از سوی سرپرست وزارت نفت، افزود: شرکت ملی نفت ایران با تمام توان از روند کار و تلاش جاری در عرصه تولید و بازسازی پارس جنوبی پشتیبانی می‌کند.

تورج دهقانی مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس نیز با اشاره به پیشرفت عملیات بازسازی پالایشگاه‌های آسیب‌دیده گفته است: با وجود شدت آسیب‌ها، عملیات آواربرداری در حدود ۲ ماه و با ثبت رکوردهای مطلوب در زمان اجرا و رعایت الزام‌های ایمنی انجام شد و اکنون بازسازی تاسیسات با پیشرفت مطلوبی ادامه دارد. وی با اشاره به اولویت بازگرداندن ردیف‌های تولید گاز به چرخه بهره‌برداری اذعان داشت: تلاش می‌کنیم با وجود سنگینی و دشواری کار، بخشی از ظرفیت تولید را تا فصل سرما به چرخه بازگردانیم.

در پهنه سوزان خلیج فارس، جایی که هنوز بوی باروت و داغ ترکش‌های تجاوز دشمن از تن لوله‌ها و برج‌های تقطیر پاک نشده، متخصصان صنعت نفت توانسته‌اند یکی از سریع‌ترین پروژه‌های آواربرداری و احیای صنعتی را رقم بزنند؛ بازگرداندن روزانه ۱۰۰ میلیون مترمکعب گاز به مدار تولید، آن‌هم فقط ظرف چند ماه پس از خروج ۲۳۰ میلیون مترمکعب از توان پالایشگاهی کشور.

به گزارش خبرنگار اقتصادی ایرنا، نقشه طراحان حمله به تاسیسات و زیرساخت‌های تأمین انرژی ایران در پارس جنوبی، عسلویه و ماهشهر یک هدف را دنبال می کرد: فلج کردن شریان‌های تغذیه انرژی مورد نیاز کشور، خاموشی نیروگاه‌ها و متوقف ساختن چرخ تولید و صنعت؛ خروج ناگهانی ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز از شبکه پالایشی، ضربه‌ای بود که می‌توانست یک سیستم انرژی را تا ماه‌ها غیرفعال کند. اما در عمل، مانند همه محاسبات دشمن که غلط از آب در آمد، ماجرای مدیریت سوخت و گاز هم به گونه دیگری رقم خورد.

به‌گواه تورج دهقانی، مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، عملیات آواربرداری تاسیسات موشک‌خورد در رکوردی نزدیک به ۲ ماه، همراه با سخت‌گیرانه‌ترین استانداردهای ایمنی به سرانجام رسید. همزمان با تخلیه هزاران تن تجهیزات تخریب شده و بقایای بمباران، مهندسان با آرایش فنی جدید و هدایت خوراک به ظرفیت‌های خالی سایر پالایشگاه‌ها، کاری کارستان کردند و ۱۰۰ میلیون مترمکعب گاز را پیش از نخستین موج سرما پاییز به مدار تولید بازگردانند.

سفر اخیر حمید بورد، سرپرست وزارت نفت به عسلویه و حضور در پالایشگاه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم و شرکت‌های مادر پتروشیمی چون جم و مبین، حکایت از تشکیل و فعالیت یک اتاق جنگ تمام‌عیار برای مدیریت سوخت و رویارویی با فصل سرما داشت؛ جایی که تصمیم بر آن شد برای تأثیه‌ها چانه‌زنی شود، بندهای اداری قرارداده‌ها به نفع سرعت تغییر کند و پسی بانک‌ها به تأمین مالی ضربتی باز شود تا طبق وعده بورد، تا اواخر آذرماه جهش دیگری در بازگشت ظرفیت‌های ازدست‌رفته رخ دهد.

کار فقط با پدنه نفت تمام نمی شود

با وجود ارزشمندی بازگشت ۱۰۰ میلیون مترمکبی از ۲۳۰ میلیون مترمکعب ظرفیت آسیب دیده تولید گاز کشور طی ماه‌های گذشته، کار همین جا تمام نمی‌شود، گزارش‌های مسئولان ارشد کشور از واقعیت ناترازی، بسیار روشن و صریح است. دکتر مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور به تازگی در یکی سخنرانی‌های خود دست روی نقطه‌ای گذاشت که تاعرب‌فردار نیست: هنوز ۱۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید گاز آسیب دیده به مدار برنگشته و ناترازی ۲۰۰ میلیون مترمکبی سال‌های گذشته هم پابرجاست.

اگر این ۱۳۰ میلیون مترمکعب معطل را در کنار ناترازی ۲۰۰ میلیون مترمکبی انباشته‌شده از سال‌های قبل بگذاریم، تصویر واقعی مشخص می‌شود: شبکه گاز کشور با بیش از ۳۳۰ میلیون مترمکعب ناترازی به استقبال فصل سرد می رود، اگرچه تلاش مهندسان و متخصصان صنعت نفت در پای میادین و مخازن گازی ادامه دارد.

آخرین گزارش‌ها نشان می‌دهد که صنعت نفت همه توان و دانش خود را پای کار آورده اما ساخت یا بازسازی تاسیساتی پیچیده پالایشگاهی،

آزمون بزرگ بازار سرمایه در جذب اسکناس‌های خانگی با سود ارزی

رقمی وسوسه‌انگیز است؛ زیرا دلار در بازارهای جهانی دارایی بهره‌زا نیست و نگهداری کاغذی آن نه تنها سودی تولید نمی‌کند، بلکه به اندازه نرخ تورم سالانه آمریکا از قدرت خرید واقعی آن کاسته می‌شود. با این حال، مقاومت دارندگان ارز در برابر سپردن دارایی به این صندوق‌ها، نه از جنس ناتوانی در محاسبه ریاضی سود، بلکه ناشی از «ریسک نهادهی» است. تاریخچه تصمیمات غیرمنتظره ارزی، تغییر ناگهانی مقررات تسعیر و ابهام در سازوکار خروج، این پرسش بنیادین را در ذهن سرمایه‌گذار مطرح می‌کند که آیا هنگام درخواست ابطال واحدها، اسکناس ارزی بدون قیدوشرط و بدون کسر ریالی در دسترس خواهد بود یا خیر.

دوگانگی سرمایه‌گذاری مولد و میل به سودهای جهشی

چالش دیگر این ابزار مالی، تقابل فرهنگ سوداگری با منطق سرمایه‌گذاری باثبات است. در شرایطی که بازارهایی مانند سکه، طلا و حتی معاملات لحظه‌ای ارز به دلیل نوسانات قیمتی و حباب‌های مقطعی، بازدهی‌های اسمی سنگین و چند ده درصدی را به نمایش می‌گذارند، عرضه یک ابزار با درآمد ثابت ۵ درصدی برای بخشی از سفته‌بازان فاقد

طرح صندوق‌های ارزی با سود ۵ درصدی، آزمون سرنوشت‌ساز برای سیاست‌گذار است تا کارایی ابزارهای مالی را در مصاف با رخوت سنتی دلارهای خانگی بسنجد.

به گزارش خبرنگار مهر، در ادبیات اقتصاد رفتاری، پناه بردن به نگهداری فیزیکی دارایی‌ها در زمان نااطمینانی‌های مزمن، واکنشی غریزی برای بقای مالی به شمار می‌رود. سال‌ها نوسانات تند ارزی و تورم‌های پی‌درپی سبب شده تا بخشی از جامعه، اسکناس خارجی را ایمن‌ترین دارایی در دسترس خود بداند. از نگاه این گروه از دارندگان سرمایه، حضور اسکناس در گاو صندوق خانگی هرچند با ریسک‌هایی نظیر سرقت، آتش‌سوزی و استهلاک کاغذ همراه است، اما یک مزیت بنیادین دارد: تسلط صددرصدی و نقدشوندگی آنی بدون دخالت نهادهای واسط. همین دیدگاه باعث شده میلیاردها دلار منابع ارزی در قالب نقدینگی خرد در منازل حبس شود و از چرخه اعتباری اقتصاد کشور خارج بماند.

۵ درصد سود ارزی؛ جذابیت مالی در برابر ترس نهادهی

پیشنهاد سود ارزی ۵ درصدی سالانه، از منظر استانداردهای بین‌المللی

از کارخانه تا قفسه فروشگاه: پذیرندگان تأمین یار برنده یا بازنده زنجیره

کارت‌های اعتباری تأمین‌یار اگر چه واسطه‌ها را حذف می‌کنند، اما پذیرندگان را میان سود بازارسازی و چالش تنزیل اوراق قرار داده‌اند.

به گزارش خبرنگار مهر، ساختار توزیع کالا در اقتصاد همواره از چالش‌های ساختاری نظیر تعدد واسطه‌ها، ناکارآمدی شبکه‌های نسبی‌بری سنتی، نوسان شدید نقدیگی و افزایش بی‌رویه نهای تمام‌شده رنج برده است. در شیوه‌های مرسوم بازار، کالاها برای رسیدن از دروازه خروجی کارخانه تا قفسه فروشگاه‌های خرد، چندین مرحله دست‌به‌دست شده و در هر گام، حاشیه سودهای نامتعارف، هزینه‌های حمل مضاعف و ریسک‌های ناشی از عدم وصول مطالبات به قیمت نهایی تحمیل می‌شود. برای مقابله با این معضل ساختاری و با هدف انضباط‌بخشی به گردش وجوه و کالا، مدل‌های نوین تأمین مالی زنجیره تأمین طراحی شده‌اند، یکی از ابزارهایی که در سال‌های اخیر با هدف اتصال مستقیم تولیدکننده به فروشنده نهایی و همچنین وصل کردن حلقه‌های مبانی به تأمین‌کنندگان مبادا اولیه در کانون توجه قرار گرفته، کارت‌های اعتباری تخصصی کسب‌وکار مانند طرح «تأمین‌یار» و اتصال آن به ابزارهای اوراق اعتباری است. در این الگوی نوین، جریان فیزیکی کالا با جریان اعتباری بانکی همگام می‌شود تا سرمایه در گردش بدون اصطکاک و انحراف منابع، در مسیر صحیح به حرکت درآید.

«پذیرندگان» دقیقاً چه کسانی هستند و چه نقشی دارند؟ در نظام بانکی و پرداخت، «پذیرنده» به شخص حقیقی یا حقوقی اطلاق می‌شود که درگاه پرداخت، دستگاه کارت‌خوان (POS) یا بستر تسویه اعتباری را برای فروش کالا در اختیار دارد؛ اما در طرح‌های زنجیره‌ای نظیر تأمین‌یار، مفهوم پذیرنده ابعاد گسترده‌تری یافته و در دو سطح کلیدی تعریف می‌شود: نخست، فروشنده‌گان کالا و شبکه‌های خرد توزیع (مغازه‌داران، فروشگاه‌های زنجیره‌ای و نمایندگی‌های رسمی) که محصولات کارخانه را مستقیماً دریافت کرده و در قالب اعتبارات یا کارت‌ها به متقاضی نهایی می‌فروشند؛ دوم، تأمین‌کنندگان مواد اولیه و نهاده‌های بالادستی که کارخانه یا اتکا به اعتبارات جذب‌شده، بدهی خود به آنان را به صورت ابزارهای مالی پرداخت می‌کند. بنابراین، پذیرنده صرفاً یک واحد تجاری دارای دستگاه کارت‌خوان نیست، بلکه به عنوان «پایانه تسویه اعتباری»، پل ارتباطی میان جریان واقعی تولید و ابزارهای مالی به شمار می‌رود. کارکرد اساسی پذیرنده در این مدار، پذیرش اسناد اعتباری، اوراق گام یا تعهدات بانکی به جای دریافت وجه نقد آنی در لحظه معامله است. این گذار از معامله مبتنی بر اسکناس به سوی معاملات مبتنی بر اعتبار زنجیره‌ای، مناسبات بازار را دگرگون کرده و پذیرنده را به حلقه تعیین‌کننده موفقیت یا شکست کل طرح تبدیل نموده است.

فرصت‌های طلایی و مزایای حضور در طرح‌های زنجیره‌ای بررسی اثر مالی و اقتصادی پذیرندگان نشان می‌دهد که ورود به چنین سازوکاری آمیزه‌ای از فرصت‌های راهبردی و تهدیدهای مالی جدی است. از منظر مزایا، اتصال بی‌واسطه به کارخانجات تولیدی به معنای کوتاه شدن دست دلالان و سوداگرانی است که پیش از این سهمیه‌های عمده را تصاحب کرده و با قطعه‌چکانی کردن عرضه، حاشیه سودهای کاذب برای خود می‌ساختند. پذیرنده‌ای که به شبکه رسمی کارخانه متصل می‌شود، دسترسی تضمین‌شده‌ای به کالا با نرخ‌های مصوب و ریسک پدید می‌کند. این ثبات در تأمین، برنامه‌ریزی فروشگاه را دقیق‌تر کرده و از خالی ماندن انبار یا ویتترین کالاها جلوگیری می‌کند. افزون بر این، در شرایطی که قدرت خرید نقدی خریداران کاهش یافته، توانایی پذیرنده در عرضه کالا از طریق کارت‌های اعتباری تأمین‌یار، مشتریان پایدار و وفاداری را جذب می‌کند که حجم کل فروش بنگاه را افزایش می‌دهد. همچنین ریسک و پرتنگر چک‌های برگشتنی، ورشکستگی خریداران جزء و مطالبات سوخت‌شده که همواره در بازار سنتی ایران کمر فروشندگان را خم می‌کرد، از دوش پذیرنده براشته شده و تسویه حساب تحت نظارت و تضمین شبکه بانکی قرار می‌گیرد.

چالش‌های مالی، تورم و کابوس تنزیل اوراق با این وجود، واقعیت‌های کف بازار ابعاد دیگری از موضوع را نمایان می‌سازد که می‌تواند پذیرنده را وارد حاشیه زیان کند. مهم‌ترین مسئله در این میان، مفهوم «ارزش زمانی پول» و «شکاف میان نرخ تورم عمومی و سررسید ابزارهای اعتباری» است. در اقتصادهای تورمی، هر روز تأخیر در دریافت وجه نقد، قدرت بازخرید سرمایه در گردش را می‌کاهد. اگر کارخانه یا فروشنده نهایی، مواد اولیه یا کالا را تحویل دهد و به جای نقدینگی، برگه اعتبار یا اوراقی با سررسید چندماهه دریافت نماید، اما خود برای پرداخت مستقیم کارگران، هزینه‌های جاری، بیمه، مالیات و خرید نقدی برخی نهاده‌های اضطراری به وجه نقد نیاز مبرم داشته باشد، با تنگنای نقدیگی روبه‌رو می‌شود. در چنین شرایطی، پذیرنده ناچار است اوراق و اعتبارات دریافتی را پیش از موعد سررسید در بازارهای ثانویه تنزیل کند. ورود به فرایند تنزیل با نرخ‌های بازاری بالا، عملاً بخش عمده‌ای از حاشیه سود پذیرنده را می‌بلعد و حتی در پارای از موارد، حاشیه سود عملیاتی ناچیز کالا به زیان خالص ناشی از هزینه‌های مالی تبدیل می‌گردد. این چالش زمانی تشدید می‌شود که کارخانه‌های بالادستی از پذیرش اوراق حلقه‌های قبلی امتناع ورزند و بر تسویه درصدند نقدی اصرار کنند؛ در این حالت، پذیرنده به حلقه‌ای گرفتار در میان بدهی‌های نقدی بالادست و مطالبات اعتباری پایین‌دست بدل خواهد شد.

تکالیف قانونی و حقوق مکتسبه بازرگان شبکه توزیع از منظر حقوقی و تکالیف قراردادی، موقعیت پذیرندگان نیازمند بازتعریف شفاف است تا توازن میان قدرت طرفین قرارداد حفظ شود. پذیرندگان طبق ضوابط شبکه پرداخت و شیوه‌نامه‌های ابزارهای اعتباری، مکلف به رعایت کامل نرخ‌های مصوب کالا هستند و تحت هیچ شرایطی حق ندارند هزینه‌های بانکی یا کارمزدهای تنزیل اعتباری را از طریق گران‌فروشی بسر دوش مصرف‌کننده نهایی بگذرانند. همچنین پذیرنده ملزم به ثبت دقیق فاکتورهای الکترونیکی، رعایت محرمانگی داده‌های مالی، تحویل به موقع کالا مطابق مشخصات اعلام‌شده و پرهیز از صدور فاکتورهای صوری برای تبدیل اعتبار به وجه نقد است. انجام هر گونه تخلف در این حوزه می‌تواند به مسدودسازی حساب‌ها، قطع دسترسی به درگاه‌های اعتباری و پیگرد قانونی بر اساس قوانین ناظر بر سامانه‌های پولشویی و تأمین مالی نامشروع منجر گردد. از سوی دیگر، تأمین‌کننده یا فروشنده در پذیرش اسناد اعتباری تکالیف سفت‌وسختی را در چند تعهدات کلیدی محصولات بر عهده دارد تا اعتبار کل زنجیره حشمدار نشود. در سوی دیگر این معادله، حقوق مسلم پذیرندگان قرار دارد که اغلب در تنبذ الزامات اجرائی نادیده گرفته می‌شود. نخستین و حیاتی‌ترین حق پذیرنده، شفافیت کامل در خصوص نرخ‌های تنزیل، زمان‌بندی دقیق تسویه و کارمزدهای عملیاتی است؛ پذیرنده باید پیش از پیوستن به طرح، بداند دارایی اعتباری او در هر لحظه از زمان دارای چه میزان قابلیت تبدیل به وجه نقد است. دومین حق اساسی، امکان گردش افقی و عمودی اعتبار بر شبکه است. شبکه بانکی و نهادهای سیاست‌گذار مالی موظفند شرایطی را فراهم سازند که یک تأمین‌کننده بتواند همان اعتباری را که از کارخانه یا خریدار به واسطه کارت تأمین‌یار دریافت کرده، بدون نیاز به تنزیل، به عنوان پیش‌پرداخت مالیاتی، هزینه مصرف انرژی، یا خرید مواد اولیه از شرکت‌های دولتی و پتروشیمی‌های بکار گیرد. اگر این چرخه تسویه بسته بماند و اوراق تنها در یک مرحله نقدشوندگی ناقص قفل شود، حقوق اقتصادی پذیرنده به شکل آشکاری تضییع خواهد شد. علاوه بر این، حق مصونیت در برابر خسارت تأخیر تأدیه از سوی سیستم بانکی، دسترسی آزاد به سامانه پشتیبانی و حل اختلاف عادلانه میان تولیدکننده و پذیرنده در قراردادهای الحاقی از دیگر حقوق ضروری به شمار می‌رود.

چشم‌انداز پایداری طرح‌های زنجیره تأمین مالی در نهایت باید تأکید کرد که طرح‌هایی چون کارت تأمین‌یار و سازوکارهای زنجیره‌ای، گامی ضروری و غیرقابل اجتناب در رسانی سالمدهی بازار کالا و گذر از ناکارآمدی‌های ساختار سنتی محسوب می‌شوند؛ مشروط بر آنکه رویکرد جریزهای به اقتصاد جای خود را به هم‌افزایی سیاستی دهد. موفقیت پایدار این جریان، در گرو مهار هزینه‌های مالی تحمیلی به پذیرندگان و تضمین پذیرش عمومی این اعتبارات در کلیه ارکان اقتصادی کشور، از هم‌رک و سازمان امور مالیاتی گرفته تا بزرگ‌ترین بنگاه‌های مادر صنعتی است.

چرا افزایش تولید به کاهش قیمت مرغ منجر نشد؟



با این حال، کنار هم قرار گرفتن گزارش‌های مربوط به زیان مرغداران و قیمت‌های بالای پرداختی مصرف‌کنندگان، ضرورت شفاف‌سازی سازوکار انتقال قیمت در زنجیره تولید تا مصرف را افزایش می‌دهد؛ به‌ویژه آنکه مشخص نیست چه سهمی از قیمت نهایی محصول به هزینه تولید و چه میزان به هزینه‌های کشتار، بسته‌بندی، حمل‌ونقل و توزیع اختصاص دارد.

افزایش تولید هم مانع گرانی مرغ نشد

نکته قابل‌توجه در بررسی وضعیت بازار مرغ آن است که افزایش قیمت این محصول را نمی‌توان در همه مقاطع صرفاً با کمبود تولید توضیح داد.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران که ۲۶ مهرماه منتشر شد، تولید گوشت انواع طیور در کشتارگاه‌های رسمی کشور طی شهریور ۱۴۰۵ به ۲۴۳ هزار و ۸۶۶ تن رسید که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۹ درصد افزایش نشان می‌دهد. از این میزان، حدود ۲۳۷ هزار و ۷۲۲ تن مربوط به گوشت مرغ بوده است.

این آمار نشان می‌دهد، قدرت خرید خانوارها می‌تواند تقاضای مؤثر برای مرغ را کاهش دهد؛ به این معنا که با وجود نیاز غذایی، بخشی از مصرف‌کنندگان توان خرید مقدار مورد نیاز خود را نداشته باشند. در چنین شرایطی، افزایش تولید لزوماً به معنای بهبود دسترسی همه خانوارها به این محصول نیست.

ضرورت هماهنگی سیاست‌های تولید و حمایت از مصرف‌کننده آنچه امروز در بازار مرغ مشاهده می‌شود، مسئله‌ای فراتر از افزایش قیمت یک کالای خوراکی است. از یک سو، خانوارهایی قرار دارند که با رشد هزینه‌های زندگی ناچار به محدود کردن خرید محصولات پروتئینی می‌شوند و از سوی دیگر، تولیدکنندگانی که افزایش قیمت نهاده‌ها، کمبود نقدیگی و نوسان بازار، ادامه فعالیت اقتصادی آن‌ها را دشوار کرده است.

در چنین شرایطی، بررسی دقیق هزینه‌های تولید و توزیع، شفاف‌سازی قیمت در حلقه‌های مختلف زنجیره، تأمین به‌موقع نهاده‌ها و کوتاه کردن مسیر توزیع می‌تواند به کاهش بخشی از ناهماهنگی‌های بازار کمک کند. در کنار این اقدامات، توجه به قدرت خرید خانوارها نیز ضروری است؛ چراکه دسترسی به مواد غذایی مورد نیاز تنها به میزان تولید وابسته نیست و توان اقتصادی مصرف‌کننده نیز در آن نقش تعیین‌کننده دارد.

به نظر می‌رسد عبور از وضعیت فعلی بازار مرغ، مستلزم سیاست‌هایی است که هم‌زمان دو هدف را دنبال کنند: تأمین شرایط اقتصادی مناسب برای تداوم تولید و فراهم کردن امکان خرید محصولات پروتئینی با قیمت متناسب با قدرت خرید خانوارها. در غیر این صورت، حتی افزایش تولید نیز نمی‌تواند به‌تنهایی تضمین‌کننده دسترسی پایدار مردم به این کالای اساسی باشد.

افزایش هزینه نهاده‌ها و فشار نقدینگی بر مرغداران در حالی که مصرف‌کنندگان با افزایش قیمت مرغ مواجه‌اند، تولیدکنندگان نیز از رشد هزینه نهاده‌ها و افزایش نیاز به سرمایه در گردش سخن می‌گویند؛ شرایطی که ادامه فعالیت اقتصادی واحدهای تولیدی را دشوارتر کرده است.

در همین زمینه، اکبر فتحی – معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی – ۲۶ مهرماه با اشاره به برنامه‌های این وزارتخانه برای بهبود شرایط تولید اعلام کرد: ارتقای بهره‌وری و بهبود کیفیت نهاده‌ها و خوراک دام و طیور می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌های تولید، فاصله قیمت محصولات از تولید تا مصرف را کاهش دهد.

وی عرضه مستقیم محصولات و کوتاه کردن مسیر توزیع را از دیگر راهکارهای کاهش فاصله میان قیمت دریافتی تولیدکننده و مبلغ پرداختی مصرف‌کننده عنوان کرد و از پیگیری برنامه‌های تأمین مالی با مشارکت بانک کشاورزی، بانک تجارت و تشکل‌های تولیدی خبر داد. فتحی در اظهارات دیگری با اشاره به پیامدهای آزادسازی نرخ ارز گفت: نیاز صنعت دام و طیور به سرمایه در گردش پس از اجرای این سیاست دست‌کم چهار برابر افزایش یافته؛ مسئله‌ای که تأمین نقدینگی مورد نیاز تولیدکنندگان را به یکی از چالش‌های اساسی این صنعت تبدیل کرده است.

معاون وزیر جهاد کشاورزی همچنین با تأکید بر ناکافی بودن روش‌های سنتی تأمین مالی بانکی، استفاده از ظرفیت بازار سرمایه، تأمین مالی زنجیره‌ای و مشارکت سایر بانک‌ها را برای حمایت از تولید ضروری دانست.

وی اول آبان‌ماه نیز بر تأمین به‌موقع نهاده‌ها، افزایش بهره‌وری، اصلاح سیاست‌های تنظیم بازار و پرهیز از قیمت‌گذاری دستوری تأکید کرد و افزایش پیش‌بینی‌پذیری شرایط بازار را از الزامات پایداری تولید دانست.

مرغداران از زیان می‌گویند، مصرف‌کنندگان با قیمت‌های بالا مواجه‌اند

در کنار اظهارات مسئولان وزارت جهاد کشاورزی، فعالان صنعت مرغداری نیز از افزایش هزینه‌های تولید و نامتناسب بودن قیمت فروش با موقع تمام‌شده خبر می‌دهند.

حبیب اسدالله‌نژاد، مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی کشور، در اظهارات منتشرشده در مهرماه اعلام کرده بود: قیمت تمام‌شده هر کیلوگرم مرغ زنده برای تولیدکننده حدود ۲۵۰ هزار تومان است، در حالی که مرغداران در مقطعی محصول خود را بین ۱۶۰ تا ۱۸۰ هزار تومان به ازای هر کیلوگرم فروخته‌اند.

وی همچنین از افزایش قیمت نهاده‌ها خبر داده و گفته بود: قیمت هر کیلوگرم ذرت در سامانه بازارگاه به حدود ۶۹ هزار تومان و قیمت کنجاله سویا به بیش از ۱۰۰ هزار تومان رسیده است؛ در حالی که این ارقام پیش از اصلاح نرخ ارز به ترتیب حدود ۴۳ هزار و ۷۰ هزار تومان بود.

البته این ارقام به وضعیت اعلام‌شده در همان مقطع مربوط است و مقایسه آن‌ها با قیمت مرغ کشتارشده یا قطعات بسته‌بندی‌شده در خرده‌فروشی‌ها، بدون توجه به تفاوت مراحل زنجیره تولید و توزیع، تصویر دقیقی از میزان سود یا زیان هر بخش ارائه نمی‌دهد.

در کنار افزایش قیمت مرغ برای مصرف‌کنندگان، مرغداران نیز از رشد هزینه نهاده‌ها، کمبود نقدینگی و زیان‌ده بودن تولید سخن می‌گویند. این وضعیت در حالی است که تولید گوشت در شهریور ماه ۹ درصد افزایش یافته ؛ آماری که بار دیگر این پرسش را مطرح می‌کند چرا افزایش تولید نتوانسته به ثبات قیمت و بهبود دسترسی مردم منجر شود؟

به گزارش ایسنا، مرغ سال‌ها یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین پروتئین در سبد غذایی خانوارهای ایرانی بوده، محصولی که به دلیل قیمت پایین‌تر نسبت به گوشت قرمز، سهم قابل‌توجهی در سفره مردم داشته است. با این حال، افزایش هزینه‌های زندگی و رشد قیمت مواد غذایی، خرید این محصول را نیز برای بخشی از خانوارها به مسئله‌ای وابسته به توان مالی تبدیل کرده است.

بررسی‌های میدانی ایسنا از برخی برخی مراکز عرضه مرغ در مناطق غرب و مرکز تهران نشان می‌دهد هر کیلوگرم مرغ کامل تازه کشتار روز با قیمت ۳۸۰ تا ۴۵۰ هزار تومان عرضه می‌شود. همچنین قیمت هر کیلوگرم سینه مرغ بدون استخوان ممتاز به ۶۹۸ هزار تومان، سینه مرغ با استخوان و بدون پوست به ۶۱۴ هزار و ۵۰۰ تومان، ران کامل مرغ ممتاز به ۴۸۰ هزار تومان و ران مرغ به ۳۲۶ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده ، قیمت هر کیلوگرم فیله مرغ گرم نیز ۵۵۰ هزار تومان گزارش شده است.

با این حساب، خرید دو کیلوگرم مرغ کامل با نرخ‌های مشاهده‌شده، بین ۷۶۰ تا ۹۰۰ هزار تومان هزینه دارد؛ رقمی که می‌تواند بخش قابل‌توجهی از بودجه غذایی خانوارهای دارای درآمد ثابت را به خود اختصاص دهد. البته قیمت محصولات بسته‌بندی‌شده و قطعات مختلف مرغ با توجه به کیفیت، وزن، نوع بسته‌بندی و محل عرضه متفاوت است.

سهم حلقه‌های توزیع چقدر است؟

یکی از ابهام‌های بازار مرغ، فاصله میان نرخ‌های اعلام‌شده و قیمت‌هایی است که مصرف‌کنندگان در برخی فروشگاه‌ها و مراکز عرضه مشاهده می‌کنند.

بر اساس گزارشی که ۲۸ مهرماه از میادین میوه و تره‌بار منتشر شد، قیمت هر کیلوگرم مرغ گرم با مجوز وزارت جهاد کشاورزی از ۲۵۰ هزار تومان به ۳۲۰ هزار تومان افزایش یافته بود. در همان گزارش، قیمت‌های مشاهده‌شده در سطح بازار بین ۲۶۰ تا ۳۴۰ هزار تومان اعلام شده بود.

مقایسه این ارقام با قیمت‌های مشاهده‌شده در برخی مراکز عرضه، از وجود تفاوت قابل‌توجه در نرخ فروش مرغ حکایت دارد. هرچند تفاوت کیفیت، هزینه حمل‌ونقل، نوع بسته‌بندی و محل عرضه می‌تواند بخشی از این اختلاف را توضیح دهد، سهم کشتارگاه‌ها، واحدهای بسته‌بندی، شبکه توزیع و خرده‌فروشی‌ها در قیمت نهایی همچنان نیازمند بررسی است.

در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که چرا با وجود افزایش قیمت پرداختی مصرف‌کنندگان، برخی تولیدکنندگان همچنان از زیان‌ده بودن فعالیت خود خبر می‌دهند؟ پاسخ به این مسئله را باید در هزینه‌های واقعی تولید، قیمت فروش در مراحل مختلف زنجیره و سهم هر بخش از قیمت نهایی جست‌وجو کرد.

به گزارش ایسنا، با نزدیک شدن به فصل سرما و افزایش تقاضا برای گاز، نگرانی‌ها درباره تأمین پایدار این انرژی در زمستان پیش‌رو افزایش یافته؛ به‌ویژه آنکه با وجود بازگشت بخشی از ظرفیت تاسیسات آسیب‌دیده به مدار، همچنان بخشی از ظرفیت تأمین احیا نشده و پیش‌بینی می‌شود ۱۱ استان کشور با محدودیت گاز مواجه شوند؛ شرایطی که بار دیگر ضرورت مدیریت مصرف را مورد توجه قرار می‌دهد.

به گزارش ایسنا، با نزدیک شدن به روزهای سرد سال و افزایش مصرف گاز در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء، نگرانی‌ها درباره تأمین پایدار این انرژی در زمستان پیش‌رو افزایش یافته است؛ به‌ویژه آنکه بخشی از ظرفیت تأسیسات گازی کشور همچنان به مدار بازنگشته و پیش‌بینی می‌شود حدود ۱۱ استان با محدودیت گازی مواجه شوند. در چنین شرایطی شناسایی مشترکان پرمصرف، اصلاح الگوی مصرف و بررسی راهکارهای کنترل مصرف‌های بالا در دستور کار قرار گرفته است.

با کاهش دمای هوا تقاضا برای گاز طبیعی به‌ویژه در بخش خانگی افزایش می‌یابد به‌گونه‌ای که در روزهای اوج مصرف به ازای هر یک درجه کاهش دمای هوا حدود ۲۵ میلیون مترمکعب گاز معادل ظرفیت تولید یک فاز پارس جنوبی، به مصرف روزانه کشور افزوده می‌شود. این افزایش تقاضا در شرایطی رخ می‌دهد که تأمین گاز کشور همچنان با محدودیت‌هایی ناشی از ناترازی تولید و مصرف روبه‌روست.

در همین زمینه آسیب‌دیدن بخشی از زیرساخت‌های گازی کشور در اواخر زمستان سال گذشته بر ظرفیت تأمین گاز اثر گذاشت. بر اساس اعلام مسئولان حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت مرتبط با این تأسیسات تحت تأثیر قرار گرفت که تاکنون حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب آن به مدار بازگشته است. به این ترتیب هنوز حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب از این ظرفیت احیا نشده و این مسئله در کنار ناترازی گذشته شرایط تأمین گاز در فصل سرد را با چالش مواجه می‌کند.

ناترازی گاز در آستانه زمستان

چشم‌انداز تأمین گاز چگونه است؟

برآوردها نشان می‌دهد حدود ۱۱ استان کشور در زمستان پیش‌رو با تنش گازی مواجه می‌شوند که در این میان سه استان شمالی شامل مازندران، خراسان شمالی و گلستان به دلیل موقعیت جغرافیایی شرایط شبکه گازرسانی و محدودیت‌های تأمین گاز از حساسیت بیشتری برخوردارند.

از سوی دیگر روند مصرف گاز نیز با ورود سامانه‌های بارشی و کاهش دما می‌تواند افزایشی باشد. در پنج روز گذشته مصرف گاز در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء حدود ۷۰ میلیون مترمکعب معادل ۳۰ درصد افزایش یافته است. با توجه به پیش‌بینی‌های هواشناسی درباره بارندگی مناسب در مناطق غربی و شمال‌غربی کشور انتظار می‌رود کاهش دمای هوا به افزایش استفاده از وسایل گرمایشی و در نتیجه رشد مصرف گاز منجر شود.

تمرکز بر مشترکان پرمصرف برای مدیریت تقاضا

در چنین شرایطی مدیریت مصرف در کنار تلاش برای افزایش ظرفیت تأمین گاز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. یکی از محورهای این سیاست اصلاح تعرفه مشترکان پرمصرف است موضوعی که پس از ۱۴ سال، در سال ۱۴۰۴ مورد بازنگری قرار گرفت.

سعید توکلی- مدیرعامل شرکت ملی گاز- اخیراً در گفت وگوی تصویری با اشاره به اصلاح تعرفه گاز مشترکان پرمصرف گفته است: حدود ۲ درصد از مشترکان کشور در گروه بسیار پرمصرف قرار دارند و در مجموع حدود ۶ درصد از گاز مصرفی کشور را به خود اختصاص می‌دهند. تعرفه این گروه بر اساس مصوبه‌های مربوط و با هدف افزایش حساسیت نسبت به میزان مصرف اصلاح شده است.

وی با اشاره به آثار اجرای این سیاست افزود: سال گذشته، پس از اجرای اصلاح تعرفه‌ها مصرف گاز در بخش خانگی حدود ۵۸ درصد کاهش یافت رقمی قابل توجه که نشان می‌دهد سیاست‌های اقتصادی در کنار فرهنگ‌سازی و اصلاح رفتار مصرف‌کنندگان می‌تواند بر

مدیریت مصرف اثرگذار باشد.

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران همچنین با تأکید بر ضرورت بررسی ابزارهای تکمیلی برای کنترل مصرف‌های بسیار بالا گفت: شرکت ملی گاز ایران مجری قوانین و مقررات ابلاغی است و تصمیم‌گیری درباره اصلاحات بیشتر در حوزه تعرفه‌ها و دیگر ابزارهای بازدارنده، نیازمند بررسی و تصمیم‌گیری در مراجع ذی‌صلاح است.

در همین راستا، محمدرضا عارف-معاون اول رئیس‌جمهوری-نیز با تأکید بر ضرورت مدیریت مصرف انرژی گفته است: ناگزیر به اصلاح قیمتی برای پرمصرف‌ها هستیم و اگر به میزان مصرف توجه نشود، مجبور خواهیم شد گاز آن‌ها را قطع کنیم.

این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که با افزایش تقاضای گاز در روزهای سرد سال و محدودیت‌های موجود در بخش تأمین، مدیریت مصرف‌های بالا می‌تواند یکی از محورهای کاهش فشار بر شبکه گازرسانی باشد.

در کنار شناسایی مشترکان پرمصرف، اصلاح رفتار مصرف‌کنندگان خانگی نیز می‌تواند در کاهش تقاضای گاز نقش داشته باشد. بر اساس آمار و ارقام ارائه‌شده، حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد مصرف گاز در بخش خانگی به گرمایش اختصاص دارد بنابراین بهینه‌سازی سامانه‌های گرمایشی و جلوگیری از هدررفت حرارت از جمله راهکارهای مؤثر برای کاهش مصرف انرژی به شمار می‌رود.

استفاده از درزگیر برای پنجره‌ها و درها، نصب پنجره‌های دوجداره، استفاده از پرده‌های ضخیم، تنظیم دمای کپچر در محدوده ۵۵ تا ۶۰ درجه سانتی‌گراد و تنظیم مناسب شعله بخاری از جمله اقدام‌هایی

است که می‌تواند به کاهش مصرف گاز کمک کند. بنابراین اطلاع‌رسانی درباره روش‌های کاهش مصرف و ترغیب مشترکان به رعایت الگوی مصرف در کنار سیاست‌های تعرفه‌ای و نظارتی، می‌تواند به مدیریت تقاضا در روزهای سرد سال کمک کند.

تغییرات استراتژی بازاریابی با هوش مصنوعی



نویسنده: علی آل علی

تنها در یک بازه زمانی کوتاه هوش مصنوعی از یک مفهوم علمی-تخیلی و ابزاری در حاشیه دنیای فناوری به نیروی محرکه اصلی در قلب استراتژی های بازاریابی تبدیل شده است. این تحول، یک بهینه سازی تدریجی یا افزودن یک ابزار جدید به جعبه ابزار بازاریاب ها نیست؛ بلکه یک بازنویسی بنیادین در فلسفه و منطق حاکم بر ارتباط با مشتری است. تا پیش از این بازاریابی در بهترین حالت، هنر خلق یک پیام قدرتمند و رساندن آن به گسترده ترین مخاطب ممکن بود، اما هوش مصنوعی این مدل یک سوپه و مبتنی بر پخش انبوه را منسوخ کرده و پارادایم جدیدی را معرفی می کند که بر پایه گفت‌وگوی شخصی سازی شده در مقیاس انبوه استوار است. در این چشم انداز نوین ماشین ها نه به عنوان جایگزین انسان، که به عنوان همکاران استراتژیک عمل کرده و به برندها اجازه می دهند تا هر مشتری را به عنوان یک فرد منحصر به فرد بشناسند و با او به زبانی کاملا شخصی سخن بگویند.

تولید محتوا: هنر به علم مقیاس پذیر

به طور سنتی، فرآیند خلق محتوای بازاریابی – از نوشتن یک متن تبلیغاتی تا طراحی یک تصویر – یک فرآیند خلاقانه، زمانبر و عمدتا انسانی بود که به عنوان یک گلوگاه در اجرای کمپین های بزرگ عمل می کرد، اما ظهور هوش مصنوعی مولد، این معادله را به طور کامل دگرگون کرده است.

اکتون بازاریاب ها می توانند با ارائه یک فرمان استراتژیک، بی شمار نسخه متفاوت از یک پیام اصلی را برای هزاران بخش کوچک از بازار تولید کنند. این توانایی، فراتر از تولید حجم انبوهی از محتوای عمومی است؛ این فناوری امکان ایجاد تنوع و سفارشی سازی بی سابقه ای را فراهم می آورد. نقش انسان در این فرآیند از یک «خالق» به یک «معمار و ویراستار استراتژیک» تغییر می کند که بر کیفیت، لحن برند و انطباق پیام با اهداف کلان کسب و کار نظارت دارد، در حالی که

ماشین، اجرای خلاقانه در مقیاس را برعهده می گیرد.

گروه هتل داری ماریوت از هوش مصنوعی برای بهینه سازی و شخصی سازی محتوای وب سایت و کمپین های ایمیلی خود در مقیاسی جهانی استفاده می کند. به جای نوشتن توضیحات یکسان برای یک هتل، سیستم های هوشمند می توانند نسخه های متفاوتی را براساس پروفایل کاربر ایجاد کنند. برای مثال، به یک مسافر تجاری، امکانات مربوط به اتاق کنفرانس و اینترنت پرسرعت نمایش داده می شود، در حالی که یک خانواده، تصاویری از استخر و اطلاعاتی درباره فعالیت های مناسب کودکان را مشاهده می کند. این رویکرد به ماریوت اجازه می دهد تا بدون نیاز به ارتش بزرگی از نویسندگان، با هر بخش از مشتریان خود به زبانی کاملا مرتبط و جذاب صحبت کند.

بخش بندی بازار: از ایستایی به پویایی

مدل های کلاسیک بخش بندی بازار، مشتریان را براساس ویژگی های ایستا و جمعیت شناختی مانند سن، جنسیت یا موقعیت جغرافیایی دسته بندی می کردند. این روش اگرچه مفید بود، اما تصویری ساده شده و اغلب ناکارآمد از واقعیت پیچیده رفتارهای انسانی ارائه می داد. هوش مصنوعی این مدل سنتی را با معرفی «بخش بندی پویا و پیش بینی کننده» متحول کرده است. الگوریتم های هوشمند با تحلیل حجم عظیمی از داده های رفتاری در زمان واقعی – از کلیک ها بر روی وب سایت و تاریخچه خرید گرفته تا تعاملات در شبکه های اجتماعی – می توانند مشتریان را در گروه های سیال و مبتنی بر قصد دسته بندی کنند. این سیستم ها نه تنها رفتار گذشته را تحلیل می کنند، بلکه با دقت بالایی پیش بینی می نمایند که کدام گروه از مشتریان به احتمال زیاد به یک پیشنهاد خاص پاسخ مثبت خواهند داد.

اسپاتیفا در زمینه بخش بندی پویای مخاطبان، یک معیار طلایی در صنعت خود محسوب می شود. این پلتفرم کاربران را صرفا در ژانرهای موسیقی کلی مانند راک یا پاپ دسته بندی نمی کند. در عوض، هوش مصنوعی آن با تحلیل میلیاردها نقطه داده از عادات شنیداری، بیش از

هزاران خرده فرهنگ موسیقایی را شناسایی کرده است. این سیستم می تواند تشخیص دهد که یک کاربر خاص به موسیقی راک آلترناتیو دهه ۹۰ با خواننده زن علاقه مند است و لیست های پخش و پیشنهادهای موسیقی کاملا سفارشی را برای این بخش بسیار کوچک اما بسیار درگیر ایجاد کند. این سطح از درک دقیق، باعث ایجاد حس کشف شخصی و وفاداری عمیق در میان کاربران می شود.

ارتباط یک به یک در مقیاس جهانی

شخصی سازی، برای سال ها هدف نهایی بازاریابی بوده است، اما اجرای واقعی آن در مقیاس بزرگ تقریبا غیرممکن بود. هوش مصنوعی با ترکیب توانایی تولید محتوای مقیاس پذیر و بخش بندی پویای بازار، این رویا را به یک واقعیت روزمره تبدیل کرده است. این فناوری به برندها اجازه می دهد تا فراتر از جایگزینی نام کوچک در یک ایمیل انبوه حرکت کرده و تجربه ای کاملا منحصر به فرد را برای هر کاربر طراحی کنند.

این تجربه می تواند شامل نمایش محصولات مرتبط براساس سلیقه فردی، ارائه پیشنهادهای قیمتی سفارشی یا حتی تغییر کامل چیدمان و محتوای یک اپلیکیشن برای هر شخص باشد. این سطح از شخصی سازی، رابطه میان برند و مشتری را از یک معامله تجاری به یک گفت‌وگوی هوشمند و همدلانه ارتقا می دهد.

شرکت نایکی از طریق اپلیکیشن های خود، تجربه ای عمیقا شخصی سازی شده را برای میلیون ها ورزشکار در سراسر جهان خلق می کند. سیستم هوشمند این اپلیکیشن ها با تحلیل داده های فعالیت ورزشی کاربر، مانند مسافت دویدن یا نوع تمرینات، نه تنها محصولات مناسب (مانند کفش جدید) را پیشنهاد می دهد، بلکه محتوای انگیزشی، برنامه های تمرینی سفارشی و حتی چالش های متناسب با سطح آمادگی جسمانی فرد را نیز طراحی می کند. این فرآیند باعث می شود کاربر احساس کند که نایکی یک مربی شخصی و یک شریک ورزشی است که نیازهای منحصر به فرد او را درک کرده و به او در رسیدن به

تراکش نیست. همچنین این فروشگاه‌ها اعلام کردند که مراجعین امکان خرید و برداشت حضوری از کالابریگ خود را ندارند، اما در خرید آنلاین امکان خرید و برداشت وجود دارد. این وضعیت مطرح شده است؛ اما در پیگیری‌های ایسنا از مسئولان مربوطه درباره گزارش‌های مربوط به نمایش اعتبار کالابریگ و امکان استفاده از آن، حاکی از آن بود که در حال حاضر اعتباری که در حساب خانوارها نمایش داده شود اما امکان استفاده از آن وجود نداشته باشد، تراکش نیست. همچنین این فروشگاه‌ها اعلام کردند که مراجعین امکان خرید و برداشت حضوری از کالابریگ خود را ندارند، اما در خرید آنلاین امکان خرید و برداشت وجود دارد.

این وضعیت مطرح شده است؛ اما در پیگیری‌های ایسنا از مسئولان

مربوطه درباره گزارش‌های مربوط به نمایش اعتبار کالابریگ و امکان

استفاده از آن، حاکی از آن بود که در حال حاضر اعتباری که در حساب

خانوارها نمایش داده شود اما امکان استفاده از آن وجود نداشته باشد،

وجود ندارد و اعتبار نمایش داده شده قابل استفاده است. اما گزارش های میدانی و اعلام برخی مخاطبان ایسنا این را نمی گوید؛ بنابراین انتظار می‌رود متولیان اجرای طرح، ضمن بررسی گزارش‌های مردمی و مشکلات مطرح‌شده از سوی فروشگاه‌ها، در این زمینه توضیح دهند. زیرا فروشندگان در برابر افرادی قرار می‌گیرند که موجودی کالابریگ خود را استعمال کرده‌اند، اما امکان خرید با آن را ندارند. آنچه اکنون نیازمند شفاف‌سازی است، علت تفاوت میان اعتبار نمایش‌داده‌شده و اعتبار قابل استفاده است.

نوبت دوم	
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>شهرداری اراک</div>	
سازمان فرهنگی‌اجتماعی و ورزشی شهرداری اراک در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب سال جاری نسبت به خرید سیستم صوت موضوع ذیل از طریق مناقسه عمومی و با نازل‌ترین قیمت پیشنهادی اقدام نماید.	
عنوان مناقسه و مبلغ تضمین:	خرید سیستم صوت جهت تجهیز فرهنگسرای شهر صنعتی با برآورد قیمت ۱۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (یکصد و چهل میلیارد ریال) و مبلغ تضمین ۲۰۰۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ و شماره مناقسه در سامانه ستاد: ۲۰۰۵۰۹۴۲۰۲۰۰۰۰۰۳
نحوه و زمان دریافت اسناد مناقسه	دریافت اسناد مناقسه از ساعت ۸:۰۰ روز سه شنبه ۱۴۰۵/۰۸/۰۵ تا ساعت ۱۳:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۷ به مدت ۷ روز و صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیك دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir امکان پذیر می باشد.
آخرین مهلت بارگذاری مدارک و پیشنهاد قیمت	آخرین مهلت بارگذاری مدارک بصورت الکترونیکی در سامانه ستاد با رعایت موارد مندرج در اسناد مناقسه و تحویل نسخه فیزیکی ضمانت نامه یا فیش واریزی به دبیرخانه سازمان فرهنگی،اجتماعی و ورزشی شهرداری تا ساعت ۱۳:۰۰ روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۱ می باشد.
میزان و نوع تضمین شرکت در مناقسه	برابر ۵ درصد مبلغ پایه کارشناسی و صرفا در قالب ضمانت نامه بانکی (فرایند ارجاع کار) با ۳ ماه اعتبار یا فیش واریزی به حساب سپرده پیمانکاران شهرداری به شماره حساب ۱۰۰۸۱۷۸۰۰۰۳۱ بانک شهر شعبه شهید بهشتی
زمان گشایش پاکت ها و محل تشکیل کمیسیون مناقسه	روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ راس ساعت ۰۹:۳۰ صبح دفتر سرپرست سازمان – حضور شرکت کنندگان بلاامعان است (همراه داشتن معرفی نامه جهت شرکت در جلسه مناقسه الزامی است) .
حداقل صلاحیت شرکت کننده	کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی دارای مجوز از مراجع ذی صلاح
به پیشنهادات مبهم، مشروط ، فاقد شرایط قانونی، فاقد ضمانت نامه یا فیش واریزی و یا به میزان کم تر از مبلغ تضمین و خارج از مهلت اثر نامه نمی شود. هزینه کارزد سامانه ستاد بهعهده برنده مناقسه خواهد بود. سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقسه مندرج است.	
کلیه مراحل برگزاری مناقسه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد شرکت کنندگان در مناقسه و بازگشایی پاکت ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است شرکت کنندگان در مناقسه در صورت عدم عضویت ،مراحل ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقسه انجام دهند.	
لذا متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند به معاونت فرهنگی سازمان فرهنگی اجتماعی و ورزشی شهرداری اراک واقع در خیابان قائم مقام فراهنی روبروی سپاه روح الله جنب استخر شهرداری اراک مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۰-۳۱۳۷۵۰۰۸۶ تماس حاصل فرمایند.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۰۵	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۹
حسین عبداللهی فر – سرپرست سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری	

